



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فصل، کلبه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتخابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۴۱۴

شنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۳۲

سال نهم

شماره مسلسل ۷۹

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۹

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس جلسات ۱۹ اسفند ۳۱ و ۲۰ و ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲
  - ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان دکتر بقائی - حائری زاده - دکتر سنجابی
  - ۳ - بیانات آقای قنات آبادی به عنوان ماده ۹۰ آئین نامه
  - ۴ - تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ
  - ۵ - معرفی آقای دکتر غلامحسین مصاحب به معاونت وزارت فرهنگ بوسیله آقای وزیر فرهنگ
  - ۶ - تقدیم و قرائت تقاضای وزارت دادگستری دایر به تعیین تکلیف پرونده های اعلام جرم علیه آقای قوام
  - ۷ - مذاکره و اعلام رای نسبت بقرائت اول طرح سه فوری مربوط بگزارش هیئت هشت نفری
  - ۸ - ختم جلسه بعنوان تنفس
- مجلس ساعت نه و چهل دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

۱- تصویب صورت مجلس  
جلسات ۹ اسفند ۳۱ و ۲۰ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۲

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود  
(شرح زیر قرائت گردید)  
غائبین با اجازه - آقایان: اورنگ - دکتر شایگان - جلالی - عبدالرحمن فرامرزی  
غائبین بی اجازه - آقایان: مشار - سراف زاده - دکتر امامی - راشد - دکتر

مصباح زاده - امیرافشار  
دیر آمدگان با اجازه و زود رفتگان  
آقایان: زهری ۳۰ دقیقه - نبوی ۳۰ دقیقه  
صفائی ۴۵ دقیقه و مصدقی یک ساعت - معتمد دماوندی یک ساعت - مجدزاده یک ساعت - کریمی یک ساعت - ناصر ذوالفقاری دو ساعت و سی دقیقه  
دیر آمدگان بی اجازه و زود رفتگان  
آقایان: دکتر طاهری ۱۵ دقیقه - شوکتی ۱۵ دقیقه - شمسفری ۲۰ دقیقه - خسرو

فشقائی ۲۰ دقیقه - انگجی ۲۰ دقیقه - دکتر فقیهی شیرازی ۲۰ دقیقه - کهبید ۴۵ دقیقه - دکتر کیان یک ساعت و پانزده دقیقه - هامری ۲ ساعت و سی دقیقه  
نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه روز شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه نظری نیست آقای نبوی

نبوی - از این جهت بنده در ضمن تصحیح صورت مجلس اجازه گرفتم که مرضی کمی خواهم بکنم مربوط است به تشکیل جلسات مجلس و تشکیل جلسات مجلس متأسفانه یکماه یا چهل روز دیرتر از موعدی که آئین نامه تعیین کرده بود تشکیل شد حالا بنده امیدوارم در آئینه دیگر تعطیلی رخ ندهد و انشاءالله بتوانیم بوظایف ملی و بکارهایی که موجب خیر و صلاح مملکت باشد اقدام بکنیم (انشاءالله) این دو جلسه تقریباً صورت فوق العاده داشت چون چهل روز مجلس تشکیل نشده بود و آقایان مطالبی داشتند و در خارج می گفتند که ما میخواهیم آن مطالب را بسمع مردم برسانیم این بود که ما این دو جلسه را فوق العاده تلقی کردیم و در فراکسیون اتحاد تصمیم گرفتیم که منحصر برای این دو جلسه اگر آقایانی که قبل از دستور نطق می فرمایند اجازه خواستند نیم ساعت از آنچه در آئین نامه تعیین شده زیاده تر بآنها رای بدهیم در جلسه گذشته هم اینکار را کردیم و این جلسه هم بانوجه باینکه عده دیگری از نمایندگان محترم فرمایشی خواهند کرد این تصمیم را گرفتیم و تا نیم ساعت اضافه رای خواهیم داد ولی در آئینه اگر این رویه ادامه داده شود باعث خواهد شد که کاری در مجلس نگردد...

نایب رئیس - آقای نبوی مختصر فرمائید  
نبوی - چشم آئین نامه حداقل تشکیل جلسه را سه ساعت معین کرده و ما هم

همان حداقل را کوفته ایم اگر بنا باشد سه نفر ناطق محترم هر کدام سه ربع تا یک ساعت حرف بزنند برای کارهای ضروری کشور وقتی باقی نخواهد ماند (صحیح است) بنابراین مادر سهم خودمان تصمیم داریم که در جلسات آینده بیش از آنچه در آئین نامه نوشته شده است اجازه ندهیم یعنی اگر یکی از آقایان محترم به عنوان نطق قبل از دستور از یک ربع اضافه تقاضای کرد مارای نخواهیم داد  
نایب رئیس - آقای کهبید

کهبید - در جلسه پریرور بنده تذکری میخواستم عرض کنم (یکی از نمایندگان پریرور نبود) که متأسفانه مجلس متشنج شد و موفق نشدم عرضی را که بنده می خواستم عرض کنم این بود که در نتیجه تگرگ شدیدی که در ساوجبلاغ و شهریار آمده قسمت اعظم هستی کشاورزان از بین رفته بنابراین بنده میخواستم تمنی کنم دولت توجه مخصوصی بفرماید چه فرق میکند بین اینها و زلزله زدگان

قلت آبادی - برای زلزله زدگان پول گرفتند خرجش نکردند خوردند  
نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - تذکراتی که من پریرور دادم بعد گفته شد نسبت بجناب آقای رحیمیان عبارت من یک زندگی داشته من هنوز وقت نگرفته ام بصورت جلسه مراجعه کنم آقای رحیمیان در دوره چهاردهم که بنده نبودم و در دوره پانزدهم که بنده با ایشان همکار بودم از نمایندگان خوب خراسان بودند و اگر چنین چیزی بود اینرا برای اصلاحش عرض کردم

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست (اظهاری نشد) بنا بر این صورت جلسه سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه تصویب میشود در همین حال صورت جلسه های مورخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۱ و ۲۰



اردی بهشت ۳۲ که قبلا مورد رسیدگی واقع شده ولی اعلام نظر نشده بود آن صورت- جلسات هم تصویب شده اعلام میشود  
**(۳) بیانات قبل از دستور**  
**آقایان: دکتر بقائی - حائری- زاده. دکتر سنجابی**

**نایب رئیس** - سه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند. آقای پور- سرتیپ بفرمائید

**پور سرتیپ** - آقای دکتر بقائی صحبت می فرمایند

**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی **دکتر بقائی** - عرض کنم بنده بموا

می خواستم از دولت جناب آقای دکتر مصدق تشکر کنم از اینکه بتقاضای مجلس شورای ملی ترتیب اثر داده و اجازه داده اند که نوار صحبت هائی که در جلسه گذشته

شده بود بوسیله رادیو پخش شود و بعد هم می خواهم یک تقاضای دیگری بکنم و آن اینست که اجازه بدهند صحبت هائی که از طرف نمایندگان موافق دولت هم

در مجلس می شود بهمان ترتیب بوسیله رادیو پخش بشود برای اینکه ما حاضر نیستیم یک چنین تبعیض را قبول بکنیم که چند نفر از مخالفین صحبت بکنند و ملت ایران

صحبت های آنها را بشنوند ولی موافقین دولت که می آیند اینجا و البته توضیحاتی خواهند داد راجع با اقدامات دولت و پیشرفت- هائی که در کارها شده و بهبودی که در

زندگی مردم حاصل شده و تمام فوایدی که اجرا شده (البته اینها را پشتیبانان دولت اینجا توضیح خواهند داد) ملت ایران باید

از آنها مستحضر بشود بنا بر این شایسته است که نوار صحبت های موافقین دولت هم گذاشته شود از این دو مطلب که

بگذریم زادیو پریشب بعد از اینکه نوار صحبت های بنده و دو نفر دیگر آقایان را پخش کرد یک موضوع خیلی مسخره ای را اظهار داشت و آن موضوع این بود که

چون در هیچ جای دنیا سابقه نداشته که مذاکرات مجلس بوسیله رادیو پخش بشود این یکدفعه را بدستور جناب آقای نخست- وزیر ما نوار را گذاشتیم ولی دفعات دیگر

بعد از این نخواهیم گذاشت اول معلوم می شود که رادیو یک مملکت مستقلی است این یکدفعه را گفته است با آقای نخست- وزیر ترحم کرده لطف کرده این یکدفعه را گذاشته و بقیه را دیگر نخواهد گذاشت

این البته بهورت ظاهر است باطن اینست که اینها نرسیده اند که مقتضی شوند اینها نرسیده اند که ملت ایران حقایق را بفهمد و باین مسخره بازیها خاتمه بدهد باینجهت

این بازیها را در آورده اند و الا دستگاه رادیو داخل آدم نیست که از طرف خودش چنین اظهار نظری بکند دستگاه رادیو که اقرار می کند و تمام آن مسخره بازیها را ساخته و روزها گذاشت و هیچ توجه نکردند که در کجای دنیا چنین چیزی سابقه داشته

است یک موردی پیدا کنید که در دنیا سابقه داشته باشد یک پرونده ای پیش از اینکه بسته شده باشد پیش از اینکه تحقیقات به نتیجه رسیده باشد پیش از اینکه

وارد محکمه شده باشد اقرار را توی رادیو بخوانند آنوقت در تفسیر سیاسی رادیو هم یک عده ای که هنوز اتهام و مجرمیتشان محرز نشده مرتباً لجن مال بکنند اینها هیچ جای

دنیا سابقه ندارد ولی مانعی ندارد که رادیو ساعت های متمادی و روزهای متوالی اینها را بگذارد هر کدام از این اقرار را دو دفعه سه دفعه چهار دفعه در رادیو گذاشتند

یکدفعه از روی نوشته خواندند یکدفعه از روی صدائی که مدعی بودند که متهمین حرف زده اند از روی نوار گذاشتند اینها مثل اینکه سابقه داشته در سایر جاهای

دنیا گذاشتنش مانعی ندارد ولی پخش کردن صدای نمایندگان مجلس این چون دیگر سابقه نداشته رادیو دیگر- دستور آقای نخست وزیر را هم نخواهد خوانند این

بنظر بنده مضحک است و این بهترین دلیلی است که ثابت میکند که اینها توجه کرده اند که چقدر رسوا و مفتضح هستند برای اینکه

آقایان فراموش نفرموده اند همین یکی دو سال پیش بود که صحبت های مخالفین دولت رانه تنها از مجلس برادری وصل میکردند

نوارش را هم شب دوباره می گذاشتند همین طور بود یا نبود؟ در دوره ۱۶ آقایان خاطرشان هست آقای دکتر معظی خاطرشان هست که صحبت های مخالفین دولت را از اینجا وصل

میکردند برادریو؟ (دکتر معظی - بله) ولی یک تفاوت داشت در آنوقت چون ماهیت این دستگاه ظاهر نشده بود ملت هنوز نمی دانست که دارند چکار میکنند حرف های مخالفین

تقویت دولت میشد ولی حالا اینطور نیست آقایان حالا اینها رسوا هستند و از ترس رسوائی بیشتر اجازه نمی دهند که صدای

نمایندگان مجلس بملت ایران برسد ولی در هر صورت اتخاذ سند از نوشته رئیس دولت که در جواب نامه ریاست معظم مجلس

شورای ملی راجع با اتصال رادیو بمجلس نوشته اند روزها نمی شود ولی دستور داده ام که متن کامل مذاکرات را شهادت رادیو پخش

بکنند و چون کاملترین متن مذاکرات همین نوار رادیو هست برای اینکه آقایان میدانند یک مطلبی را در نظر خوانندش یا نظر زادایش

معناش را ممکن است تغییر داد بکجائی که قوی است اگر شل بخوانند یا بکجائی اگر مطلب جدی است با صدای مسخره بخوانند

وقتی علیه ما مطلب را می شود تغییر داد باین جهت خواندن بوسیله مأمورین رادیو قابل قبول نیست و چون خود جناب آقای دکتر مصدق نوشته اند دستور داده ام متن کامل مذاکرات مجلس بوسیله رادیو پخش شود و کامل ترین متن مذاکرات مجلس همین نوازی است که در اینجا تهیه میشود بنده عرض میکنم اگر از رسوائی نمیترسند اگر از افتضاح خودشان نمی ترسند دستور بدهند

همانطوریکه یکدفعه این عمل شده همین عمل ادامه پیدا کند و بنده هم عرضی را که راجع به جریان تأسف آور قلمی هست و باید بمرض

نمایندگان مجلس برسانم موقعبینکه دستور دادند که نوار پخش شود آنوقت این عرایض را خواهم کرد مثلاً روز یکشنبه و از تمام این چیز ها هم که بگذریم آقایان جوانمردی

شرافت و بشریت تمام اینها را هم که صرف نظر بکنیم عدالت محض هم حکم میکند بعد از آنکه روزها و ساعت های متوالی چه بوسیله

این اقراریری که باشکجه گرفته شده بود و چه بوسیله تفسیرهای سیاسی رادیو که عمل خود دولت است و چه بوسیله سرمقاله روزنامه هائی

که همه می دانند چه جور نوشته می شود بعد از اینکه مدت های متمادی وقت رادیو را صرف کردند برای اینکه بنده را لجن مال بکنند

صالح ساده حکم میکند بنهم اجازه داده شود که بهمان وسیله از خودم دفاع بکنم حالا آینده نشان خواهد داد که چکار میکنند

امام طلبی که امروز میخواستم بمرض آقایان محترم برسانم راجع بیک جریان دیگری است آقایان نمایندگان محترم بخاطر دارند از ابتدا اینکه بنده وارد مبارزه شدم یکی از

هدف های مبارزه بنده مبارزه با کمونیستها بود و همچنین آقایان نمایندگان محترم بخاطر دارند که در همین مجلس از پشت همین تریبون بنده چند دفعه صحبت کردم اعتراض کردم

اعلام خطر کردم راجع بکارهاییکه دولت دارد میکند و راجع بائتلاف پنهانی که با کمونیستها کرده اند این برای خیلی از آقایان دشوار بود باور کردنش آن اولین دفعه ای که

بنده گفتم عدلیه را دارند درست بدست تودملیها می دهند خیلی از آقایان تعجب می کردند که باین شوری هم نمیشود بعضیها می گفتند آقای قاضی درست بوده حالا اگر

تودم های بوده چه مانعی داشته که سر کار نباشد ولی امروز پرده ها برداشته شده یک قرار منع تعقیبی از داد گستری اصلاح شده جناب آقای دکتر مصدق راجع بمران حزب توده صادر شده که اینقدر مفتضح و رسوا است اینقدر

مسخره است که حتی روزنامه های مزدور دولت حتی روزنامه های اجیر دولت حتی اسم نمیخواهم بیاورم آنها هم مجبور شدند بگویند این قرار رسوا بوده بخوانند آقا این روزنامه های دولتی

را بخوانید یکی از دوستان بنده که مرتب برادیو گوش می دهد میگفت که روز پیش پرروز مطلب بقدری شور بود که اینها برای خواندن سرمقاله هیچ روزنامه نمی را بیند انکرند که بخوانند حتی روزنامه های مزدور را هم اندام مجبور شدند یک سرمقاله که نه را در رادیو بخوانند ولی چون آقایان نمایندگان محترم وقت ندارند مجال نکرده اند که خودشان

این موضوع را بخوانند بنده این قرار را می خواهم بمرضشان برسانم چون این از آن شاهکارهای عجیب دنیا است این قراره تنها قرار است که باز پرس صادر کرده این یک شاهکار ادبی قضائی حقوقی

است فلسفی فنی اقتصادی سیاسی است که بنده توی روزنامه چند وقت پیش نوشتم که تمام اخلاف و اسلاف آقای دکتر مصدق اگر آقای دکتر مصدق یک هنر داشته باشد آنها هم اصلاح داد گستری باشد و داد گستری هم فقط یک کار کرده باشد که آنها هم صبور این قرار باشد اخلاف و اسلاف ایشان باید الی الابد باین قرار افتخار بکنند حالا این قرار را می خوانم می دانید که یکدفعه از سران حزب توده را بجرایم مختلفی گرفتند بودند جراثیمیکه در پرونده اعلام شده بود قسمت بود یکی ضدیت با سلطنت مشروطه ایران دوم تشکیل حزب توده و عضویت در آن حزب که رویه و مراسم اشتراکی اعلام شده است (موضوع عمده اول قانون مقدمین

بزه علیه امنیت و استقلال مملکت مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰) سوم چندین فقره جرح و ضرب و حبس غیر قانونی و تصرف و اخذ مال بغير و غیره البته بطوریکه میدانید شروع این رسیدگی در سال ۱۳۲۹ بود جلوتر بود یعنی مربوط بسال ۱۳۲۷ بود در یک موقعبینکه رزم آرا

**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی رفتن شما تمام شده

**دکتر بقائی** - از آقایان اجازه می خواهم که اجازه بدهند که این مطلب را تمام بکنم چون فرمودند که تا نیم ساعت وقت می دهند

**نایب رئیس** - چند وقت میخواهد **دکتر بقائی** - نیم ساعت

**نایب رئیس** - آقایانیکه با نیم ساعت اضافه نطق قبل از دستور آقای دکتر بقائی موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد بفرمائید

**دکتر بقائی** - البته آقایان نمایندگان محترم بخاطر دارند که رزم آرا در موقعبینکه باروسها نزدیک شد تصمیم گرفت که همکارا را بکند بوسیله داد گستری ولی چون هنوز داد گستری اصلاح نشده بود نتوانستند اینکار را بکنند چون این اختیارات قانونی و اصلاحات کار را باینجا ها می کشاند ولی برای اینکه تعهدش را جلوی روسها انجام بدهد آمد آن ده نفر سران حزب

توده را از مجلس برتربینی که آقایان اطلاع دارند فرازی داد ولی حالا الحمد الله در سابقه داد گستری اصلاح شده یک قرار صادر کردند بمشروطه که عرض کردم یکی از شاهکارهای جاویدان است این از روی رونوشت قرار خوانده میشود جراثیم اعلام شده در پرونده بطوریکه اشاره بشود یک قسمت راجع است به ابراد ضرب و جرح و توقیف غیر قانونی و ضبط اموال بنده

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم

که چندین فقره بوده و طبق گزارش دادستان نظامی در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده است راجع باین جرائم چون بنده هر یک در محل خود پرونده ای داشتم



چون واسطه بین آنها و متهمین در این  
رونده وجود ندارد بنابراین مورد رسیدگی  
این پرونده نیست و قرار عدم صلاحیت  
داد میگردد. راجع بجرم ضدیت با  
سلطنت مشروطه ایران و داشتن رویه و مرام  
شترکی ابتدا باید بتعرف این دو جرم  
وجه نموده اینها آثار بازپرسی است ولی  
متأسفم که آقای د کتر معظمی تشریف بردند  
چون امروز بکفوری ایشان خجالت کشیدند  
رای اینکه استاد حقوق و رئیس دانشکده  
حقوق بودند و فعلا هم مشاور دولت هستند  
بلی متأسفم که ایشان رفتند بگویند آقای  
د کتر معظمی بیایند این چیزهای شاگردان  
نمودشان را بشنوند. حالا آقای بازپرس  
تشریف میکنند سلطنت مشروطه بادمو کراسی  
باز است از حکومت مطلقه مردم و مشخص  
آن وجود قوای ثلاثه و انفکاک آنهاست  
و از کان سلطنت مشروطه ایران را قانون  
اساسی مانعین و ترمیم کرده است. حالا  
کارندارم و وارد جزئیات نمیشوم که این  
جملهئی که بازپرس نوشته یک ترمیمی  
هم باختیارات جناب آقای د کتر مصدق  
داد باین کاری ندارم. برای تشخیص  
اینکه رویه و مرام توده ضدیت با سلطنت  
مشروطه است یا خیر باید با ساختمان و مرام  
نامه حزب و روزنامهها و نوشتهجات آن مراجعه  
نمود. مرامنامه حزب توده دارای اصل  
است از استقرار که پنج اصل حزب توده  
را نوشته. این اصول از کتاب حزب توده  
ایران چه میگوید و چه میخواهد تألیف  
آقای احمد قاسمی یکی از متهمین پرونده  
نقل شده است. در همان کتاب که در پرونده  
بایگانی میگردد کامل مرامنامه حزبی و تمام  
درخواستهای حزب توده تشریح شده است.  
با مطالعه این کتاب و تمام روزنامهها و نوشته  
های حزبی (درست توجه بفرمائید) مطلب  
و دلیلی که حکایت از ضدیت با رژیم حکومت  
مشروطه (آنوقت آقای بازپرس خودش  
هم معنی کرده) یعنی حکومت مطلقه مردم  
بنساید بدست نمی آید بلکه برعکس طبق  
اصل چهارم مرام نامه که عیناً نقل شد  
حزب توده مرام خود را طرفداری از  
دموکراسی واقعی اعلام کرده است.  
صحيح است که طبق حکایت پرونده  
(صحيح است هم مال آقای بازپرس است  
مال بنده نیست) صحيح است که طبق  
حکایت پرونده و اوضاع و احوال حزب  
توده در مطبوعات خود با تمام دولت های  
گذشته مخالفت کرده است (البته با این  
دولت موافق است چون ائتلاف دارند)  
بأنها حمله و از آنها تنقید نموده است ولی  
نام این حملات و تنقیدها از حدود افکار  
و عقاید اشخاص که طرفدار وجود مشروطیت  
واقعی و اجرای صحيح قانون اساسی باشند  
تجاوز نمینماید و از این حد یافران نگذاشته  
اند. یعنی تمام این جریانها که در  
روزنامه های حزب توده صراحتاً راجع  
بمخالفت با قانون اساسی با مشروطیت ایران

تبلیغ برای جمهوریت تبلیغ برای اینکه ما  
باید برویم زیر بیرق روسیه تبلیغ برای  
پیشهوری تمام اینها هیچ نیست اینها تمام  
دلیل اینست که حزب توده طرفدار سلطنت  
مشروطه ایران است من نمی دانم این  
بازپرس کی را خبر تصور کرده (یکی از  
نمایندگان خودش را) خودش که خبر نیست  
ملت ایران هم که این چیزها را می فهمد  
من نمی دانم کی خبر است در این میان که  
نمی فهمند و این چیزها را می نویسند.  
بازپرس داد گستری اصلاح شده می نویسند  
حزب توده هیچ دلیلی نه در مرامشان نه در  
کتابهایشان نه در نوشتهجاتشان هیچ دلیلی  
بدست نیاوردیم که با سلطنت مشروطه ایران  
مخالفت داشته باشد یک جای دیگر هم شنیدم  
چون فرصت نکردم اینرا تحقیق بکنم به  
بینم واقفاً صحت دارد یا نه توی یک  
روزنامه ای خواندم که نوشته بود  
یک نفر از این توده ایها را که گرفته بودند  
که روی دیوار نوشته بود مرگ بریسر رضا  
خان فراری صادر کرده اند باین مضمون که  
معلوم نیست کدام رضا خان است رضاخان  
هم خیلی است باینجهت این جرمی نکرده  
و اولش کردند ولی اینرا بقید احتیاط  
عرض می کنم چون در روزنامه خواندم و  
فرصت اینکه تحقیق بکنم در اطرافش پیدا  
نکردم امام طلب خیلی شیرینتر (زد و خورد ها  
و ضرب و جرح و اغتشاشهایی که بر حسب  
حکایت پرونده و گزارشهای دادستان نظامی  
در نقاط مختلف کشور رخ داده است لازمه  
وجود حزب و تمارض و تصادم بین افکار  
حزبی (البته حزبی مقصود حزب توده است)  
و دسته های مختلف در کشور هائی است که  
بروش صحیح اداره احزاب و زندگانی با  
وجود احزاب مختلف عادت نکرده اند و  
مجموع آنها را نمیتوان دلیل مخالفت و  
ضدیت با رژیم حکومت مشروطه دانست  
(حالا بعداً بفرستاد خواهی رسید که منع  
تعمیم هم صادر کرده است) بنابراین از  
مجموع نوشتهها و روزنامه های حزب توده  
و محتویات پرونده دلیلی بر ضدیت حزب  
توده متهمین این پرونده با سلطنت مشروطه  
بدست نمی آید (حالا کاش گفته بود از  
این پرونده بدست نمی آید. حالا کاش  
گفته بود از این پرونده بدست نمی آید  
میگفتم خوب آن جریان را که ما مدعی  
هستیم توی این پرونده نبود این بازپرس  
تمام نوشتهجات تمام روزنامهها تمام کتابها  
را قاطبی کرده در اینها هیچ دلیلی بر  
ضدیت حزب توده با سلطنت مشروطه بدست  
نمی آید و اما رویه و مرام اشتراکی اینرا  
مخصوصاً توجه میدهم با آقایان کتاب خواننده  
که این را ذقت کنند چون خیلی لطف  
دارد (اما رویه مرام اشتراکی تعریف است  
اشتراکی را اگر آنرا رویه سیاسی و  
اجتماعی بدانیم در هیچ کتاب یا نوشته ای  
نمیتوان یافت و اگر آنرا لغت اقتصادی

بدانیم باید آنرا در فرضیه افلاطون و اتو  
پی توماس موروس جستجو کرد و نظر مقننین  
را باید معمول بر این عقاید دانست و باید  
گفت مقصود مقننین محترم از کلمه اشتراکی  
ترجمه لفظی کمونیزم است (معنای کوچک  
علی چپ درست اینجا صدق می کند) اگر  
معنای اشتراکی همان نظریه افلاطون و  
توماس موروس باشد باید دانست که فعلا  
در دنیا دولت و حکومتی مبتنی بر رژیم  
اشتراکی باشد وجود ندارد و اگر مقصود  
کمونیزم باشد آن نیز مراحلی دارد و آن  
چه تاکنون در دنیا تحقق یافته است سوسیالیسم  
است که آنرا اجتماعی ترجمه کرده اند  
خلاصه تعریف آن مالکیت اجتماعی بر  
عوامل تولید و صنایع بزرگ میباشد بنابراین  
این کمونیزم نیز هنوز وجود نیامده است  
(خند، نمایندگان تمام مردم دنیا که صحبت  
از کمونیزم میکنند غلط میکنند دنیا بدو  
بلوک تقسیم نشده یک بلوک کمونیستی یک بلوک  
ضد کمونیستی نیست اینها هیچ کدام نفهمیده اند  
آن دسته از مللی هم که مایل بتعمیم هیچ  
یک از این دو نیرو یعنی نیروی کمونیستی یا  
نیروی ضد کمونیستی نیستند و مرام حزب ما  
هم هست که ملت ایران باید آزاد و مستقل و  
بدون اتکاء به هیچ یک از این دو نیرو زندگی  
بکند اینها هم هیچ نفهمیده اند برای اینکه  
وقتی کمونیست و ضد کمونیست نیست هیچ چیز  
نیست وقتی کمونیست بوجود نیامده است  
دیگر نه روس است و نه آمریکا این شاهکار  
آقای د کتر مصدق است باین مقدمه با توجه  
بکتابها و مطبوعات حزب توده چه طور می  
توان گفت که رویه و مرام آن اشتراکی بوده  
است بیچاره بازپرس تعجب کرده است  
«متهمین پرونده بر حسب حکایت پرونده و  
اوضاع و احوال اکثر آرای تحصیلات عالی  
و استعداد عالی و شعور و منطق قوی  
و بالعجله ملت ایران میباشند باین جهت  
بهرتر فهمیده و درک کرده اند که چنین رویه  
در ایران با شرایط زمانی و مکانی فعلی عملی  
نیست زیرا بر فرض چنین رژیمی ممکن و عملی  
باشد برای افکار جامعه انسانی سیر و حرکت  
ورشد و نبوغ بعد معینی لازم است تا بتوان  
فرضیه افلاطون را در آن جامعه تلقین و  
تبلیغ نمود و در این قرن داشتن افکار و  
تبلیغ چنین مرامی افسانه ای بیش نیست  
باین جهت نسبت دادن رویه با مرام اشتراکی  
و تبلیغ آن بعزب توده و متهمین این پرونده  
نسنجیده و بی مطالعه و تعقل سخن گفتن است»  
یعنی بنص فرمایش آقای بازپرس هر کس  
بگوید حزب توده رویه اشتراکی دارد آدم  
بی عقل و بی مطالعه نفهم و احمق است و اما  
این دیگر از آن ریزه کاریهائی است که اینرا  
مخصوصاً با آقایان قضات و آقایان و کلای  
عدلیه تقدیم میکنم. و اما اگر در مقالات  
و نوشته های فردی بعضی از افراد حزب  
توده برای اینکه این فکر کرده یک کسی

برود این روزنامهها را بردارد و بنیازد بگوید  
مرد که دیوت اینک نوشته گور پدر شاه این  
که نوشته گور پدر مملکت این که سر تا  
سرش لجن است اینک هزار تافهش بی تمام  
مقامات مملکت داده این را چه میگویی این  
سؤال متعدد را جواب داده که اگر در نوشته  
ها و مقالات فردی بعضی از افراد متهمین این پرونده  
بعنی راجع بکمونیسم یا اشتراکی دیده می  
شود باید آنرا نظر و اندیشه شخصی نویسنده  
تلقی نموده و ربطی بمرام رسمی حزب ندارد  
و حالا معلوم نیست روزنامه ای که ارکان حزب  
است و یک مطلبی از طرف سران حزب در  
روزنامه منتشر شده این ربطی بحزب ندارد و  
این یک چیز شخصی است «بنا بر این بالادلیل  
بر ضدیت متهمین پرونده با سلطنت مشروطه  
و یادداشتن رویه مرام اشتراکی یا تبلیغ آن چه  
از لحاظ فردی (حالا جلوتر اقرار کرد که  
یک فرد ممکن است اینکار را کرده باشد این  
جائزه زیرش) چه از لحاظ فردی و چه از طریق  
حزب وجود ندارد و نسبت بانها قتل و  
جرح و ضرب و اخذ مال بعنف این که خیلی شیرین  
است نسبت بانها قتل و جرح و ضرب و اخذ مال بعنف  
نیز قرار منع تعقیب متهمین صادر میگردد و نسبت  
باشخاص دیگر که مورد این اتهام قرار گرفته اند  
چون خارج از تهران بوده و در این پرونده نباید  
مطرح شود قرار عدم صلاحیت صادر گردیده  
است این شاهکار در ۱۸ دی ۱۳۳۱ بوجود  
آمده ولی البته یکدفعه نمیشد که این را  
بخش کنند با وجود اینکه می بینید هر روز  
کوچکترین اسرار داد گستری و بزرگترین  
اسرار دولت بخش میشود راجع بانهم موضوع  
هیچکس صدایش در نمی آید قرار صادر نمودند  
ولی صدایش را در نیاروندند آقایان را  
طی کرد تا شب عبد یعنی ۲۴-۱۲-۳۱ نظر  
تأییدی دادستان داده میشود حالا اگر  
دادستان این تأیید را بخواهم خدمت آقایان  
عرض کنم وقت گرفته میشود این قرار را  
بیکدی از دادیارها مراجعه کردند ایراداتی  
گرفته و ایراداتش بجا بوده  
(د کتر طاهری - ایرادات را بخوانید) نوشته  
است در روزنامه مفصل است جواب داده اند  
که ایرادات وارد نبوده بالاخره در ۲۴-  
۱۲-۳۱ دادستان مینویسد «پرونده ملاحظه  
گردید با توجه بمجموع محتویات پرونده در  
خصوص قرار آقای بازپرس بمنع تعقیب متهمین  
معرفی شده در قرار و اتهامات انتسابی آنان  
نتیجتاً موافقت میشود و پرونده بنظر آقای  
بازپرس میرسد تا طبق مقررات اقدام قانونی  
معمول دارند (بخصوص از لحاظ اعلام نتیجه  
بزندان) ضمناً (این ضمناً خیلی شیرین است)  
در خصوص شکایت پاره ای از زندانیان از  
عملیات مأمورین نیز رسیدگی  
و اظهار نظر فرمائید دادیاران در این  
قول ایامه سالبه این پرونده باین معنی که  
میباشند خود دادستان اظهار نظر کرده  
باشد دادستان زیر بار گرفته بعد از دو ماه  
بالاخره یک دادیار اینرا اعتراف کرده و ضمناً



نوشته است که شکایت توده ای ها از مأمورین زندان رسیدگی میکند حالا این هم یک نکته ای دارد که خدمت آقایان عرض می کنم، عرض کنم بعد از تعطیلات عید سرو صدای این بلند شد که همچو قراری صادر شده در داد گستری اینها دست و پاچه شدند چون هنوز موقمش نرسیده بود چون باید زمینه را فراهم کند چون این نقشه هنوز به مرحله اجراش نرسیده بود یادتان باشد عاقبت بکروزم عده ای چاقو کش توده ای به همراهی بعضی از غیر توده ای ها که پرپر روز با آقای زهری خدمت کرده اند و عینکش را شکسته اند بمجلس خواهند ریخت این را داشته باشد با توافق خود دولت و شخص آقای دکتر مصدق (میراشرفی - فاطرجی های محمد علی شاهی هم یک وقت ریخته شده مجلس) این قرار باید یک موقمش علنی بشود که توده ای های یک زهر چشمی از مردم گرفته باشند این نشد زودتر فاش شد و روزنامه ها نوشتند که یک چنین قراری صادر شده است راجع بمنع تعقیب آنها یک بار تکذیب شد سنگ گوی دولت گفت چنین چیزی نبوده یک بار هم یک تکذیب حقه بازی از یک مقام صلاحیت دارد گستری گفته شد تکذیب این بوده است که بگویند در شعبه بنده همچو چیزی صادر نشده است ما هم میدانیم صادر نشده در شعبه آقای نبوی صادر نشده در شعبه آقای حاج سید جوادی و در شعبه آقای ملک مدنی هم صادر نشده ولی قرار صادر شده (حاج سید جوادی بنده شعبه ندارم) مقصود این تکذیب خنک است عرض کنم باین صورت تکذیب شد تا اینکه متن قرار بدست آمد و در روزنامه ها نوشته شد اینها دستپاچه شدند چون هنوز موضوع نتیجه بوده شروع کردند باین درو آن در زدن اولاً گفتند آقای دادستان چرا حرفی نزدی و او را ادا کردند حرف هائی بزند و توی روزنامه چاپ شود من دورا دور ایشان را میشناسم آدم خوبی هم میدانم (امامی اهری و که بعد آدم بسیار شریفی است) حرف هائی که زده دون شان دادستان نهران بود از ایشان سؤال میشود (البته مضاحبه مطبوعاتی کرده اند) آیا مندرجات روزنامه ها راجع بقصد قرار منع تعقیب خوانده اید؟ جریان چیست؟ ایشان میگویند اولاً این قرار در دیماه سال گذشته صادر شده است و در آن روزها چسبه گرفته در روزنامه ها منتشر شد و سرو صدائی نشد در صورتیکه آنروزها منتشر نشد آن روزها تمام دستگاه بدستور جناب آقای دکتر مصدق این موضوع را مخفی نگه داشته تا موقمش برسد یک روز نامه ای بیاورید در دیماه این خبر را منتشر کرده باشد؟ خیر منتشر نگردید و سرو صدائی هم نبود کسی هم انتقادی نکرده است (در صورتیکه این مطلب کاملاً دروغ است برای این که بعد از عید که مطلب فاش شد اعتراضات شدیدی بعمل آمد البته این را آقای دادستان بنده)

چه شده است که قرار باز پرس امروز با کسر قسمت عده آن و تاویل و تفسیر و استنتاج مورد بحث روزنامه ها واقع شده است و آنرا یک جنبه سیاسی بهش داده اند جای تعجب است که این قرار جنبه سیاسی پیدا کرده خوب این یک چیز کاملاً حقوقی است نه حزب توده سیاسی است مرام اشتراکی هم که ندارد و این یک دعوی حقوقی و مالی بوده چرا جنبه سیاسی بهش داده اند این جای خیلی تعجب است یک نکته ای را هم فرمودند که کاملاً صحیح است در داد گستری از دزدی که سیاست وارد می شود از دزدی که قضاوت فرار میکند و متأسفانه الان داد گستری ما باین صورت در آمده است داد گستری ما درست تعویب حزب منحل شده توده داده شده است.

**فایب رئیس** - آقای دکتر بقائی دقایق دیگر وقت دارید.

**دکتر بقائی** - آقایان اگر حلاقتمند بقیه مطالب این قرار هستند بروزنامه ها مراجعه کنند بنده فقط یک مطلب دیگری را میگویم عرض کنم در جریانیکه در تعقیب جریان روز ۱۹ اسفند پیش آمد کرده چون در آن جریان واضح شد که حزب توده و آقای دکتر مصدق ائتلاف دارند و هنوز موقع کشف این موضوع نرسیده بود یک دعوی زرگری در دست کردند بین قوای انتظامی و حزب توده یک جنک زرگری کردند البته این داستان خیلی مفصل است مدارک هم برای این هست کاری ندارم منتهی چیزی که بنده میگویم عرض کنم اینست که یکی از افسران بسیار شریف شهر بانی که رئیس کلانتری ۳ بوده جلوی توده ای ها را گرفته بوده اگر طبق دستور رفتار کرده بود نمی بایستی گرفته باشد ولی نفهمی کرده جلوی شان را گرفته اینرا مضروب کردند با دشنه و چاقو ۳ چهار ضربه خورد که یکیش کاری هم بوده و نزدیک بود جانش را روی این کار بگذارد وقتیکه این را میزنند و میافتد پاسبانهای که همراه او بوده اند غیرتی بخرج می دهند و مرتکب این کار را میگیرند و میبرند حبس میکنند آن آقای مرتکب در حبس بوده که جناب آقای لشکرانی یکی از اخوان لشکرانی ها را هم میگیرند میدانید این داستان مفصل دیگری هم دارد که شاید بعضی از آقایان فرا کسیون نهضت ملی اطلاع بیشتری داشته باشند این را میگیرند حبس میکنند آن سرهنگ بدبخت را میبرند مرخصخانه چند روزی مرخص خانه بوده و پاسبان کرده اند و حالش بهتر شده آمده بیرون چون در حین انجام وظیفه ضربت خورده و مشرف بمرگ بوده باین جهت بعد از این که از بیمارستان بیرون آمد تصمیم گرفتند دیگر کاری بهش رجوع نکنند البته برای تشویقش که دیگر جانفش را بخطر نیندازد و آن آقای مرتکب را هم چند روز پیش همین دو روز گذشته از زندان مرخص کردند حالا اگر اینها دلیل ائتلاف با حزب توده نیست نمیدانم دیگر چه دلیل میشود

و من به حال آن بیچاره های مفتضحی تأسف میخورم که خودشان می بینند این جریان را میفهمند و با کمال بدبختی در منجلاب سازش کاری فرور میروند و میگویند این کار بد شده ولی ما از دولت پشتیبانی میکنیم آنقدر پشتیبانی میکنید تا جناب آقای دکتر مصدق خدای نکرده به بش به پیوند ولی این آرزو را هم ملت ایران اجازه نخواهد داد چه برادری وصل کنند چه وصل نکنند چه مبارزه نکنند چه مبارزه نکنند ملت مسلمان ایران اجازه نخواهد داد که پرچم کمونیستی در این مملکت دوباره برود بالا (میراشرفی - صحیح است) با استناد بهمین قرار باز پرس که نوشته است که ضرب و جرح قتل و زود خورد و اخذ مال تعقیب و توقیف غیر قانونی در ممالکی که احزاب رشد نکرده قانونی است و قرار منع تعقیب برایش صادر می کنند با استناد بهمین قرار باز پرس ما تکلیف دولت و تکلیف حزب توده را معین خواهیم کرد و تحمل نخواهیم کرد که صحنه چکوا سلواکی یک بار دیگر بدست یکمشت منفعت طلب و سودجو که بیش از جلوی دماغشان را نمی بینند و برای چند جواز میروند تسلیم میشوند و یک عده ای که تباری دارند با توده ای ها و یک عده ای ذاتاً کمونیست هستند و میخواهند مملکت را با آن طرف بکشند ملت ایران یقین بدانید که تسلیم نخواهد شد.

**فایب رئیس** - آقای میراشرفی گویا مرقوم فرموده اند که بجای ایشان آقای حائریزاده صحبت کنند (میراشرفی - صحیح است) بفرمائید آقای حائریزاده.

**حائریزاده** - موضوعی را که دیروز یعنی در جلسه سابق در اینجا وارد صحبت شدم ۳ قسمت بود یکی اینکه چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق کردم یکی اینکه چرا ما مهاجرت نمودیم در ۲۷ فروردین و چرا مجدداً برای شرکت در جلسات حاضر شدیم جناب آقای دکتر مصدق راجع به مبارزه نفت.

**فایب رئیس** - آقایان تشریف داشته باشید تا جلسه از اکثریت نیفتد.

**حائریزاده** - این تعطیلها بحساب وقت من نیاید.

**فایب رئیس** - نه بفرمائید اصلاً تعطیل نشد.

**حائریزاده** - جناب آقای دکتر فرمایشاتی که خودشان در مجلس کردند اینها را در موقع اجراء عمل عکسش را خیلی عمل کردند آقایان مسائلی که مورد استیضاح و سؤال و انتقاد و داد و فریاد بوده همان مسائل بنحو اتم و کامل در زمان حکومت خودشان بموقع عمل و اجراء آمد این جناب بنده نگفته بگذارم که یک مشت کاسه گرمتر از آتش هستند که یک حرفهای پوچی را همان عثمان می کنند مثلاً من جلسه پیش گفته بودم که من با آقای دکتر عرض کردم ۵ دوره خدمت مجلس برای من کافی است من وضع مزاجم

مقتضی مبارزه زد و خورد نیست در مجلس من کار من دولت هستم حوصله اینکه باز پرس برود میوان کشور دوسیه ها را مطالعه نکنم ندارم و یک شغلی که بتوانم سلامتی از دست رفته خودم را عودت بدهم بمن بدهید و شرکت در انتخابات ندهید یکی دیدم نوشته است که فلان کس شغل میخواسته بهش نداده اند یکی از این کاسه گرمتر از آتشها بنده شغلی از مصدق هیچوقت نخواسته حالا هم نمی خواهم و تقاضای تقاعد هم کرده ام فقط بین دوره یا زده و شانزده برای اینکه من در ایران نباشم و کشمکش انتخاباتی را ادامه ندهم یک مأموریت فرهنگی بمن دادند بروم ولی بنده قبول نکردم و نرفتم بهشان گفتم من آن موقع برای مبارزه حاضر بودم آن مأموریت را قبول نکردم و نرفتم حالا حاضر هستم بروم برای اینکه در صحنه سیاست وارد نشوم و مزاج من برای مبارزه دیگر مهیا نیست شغلی از ایشان نخواستم البته کارمند دولت بودم باید برای حقوقی که میگرفتم این چند وقت انجام وظیفه بکنم من حقوق نمی گرفتم که در کوچه راه بروم باید انجام وظیفه بکنم بنده شغلی از ایشان نخواستم از خدا میخواهد که یک شغلی بمن بدهند حالا هم اگر من از ایشان تقاضا کنم که شغلی بمن بدهند بروم کنار تصور میکنم که ایشان که جواز برنج و شکر و مأموریت و خدمت و رهنما باشخاص می دهند شرم را بایک مأموریت نخواسته باشند بکنند بنده حاضر برای اینکارها نیستم هوچیگری هم یک خدی دارد جناب دکتر فرمایشاتی را که میگردند فراموش کرده اند در موضوع نفت موقعیکه ماده را گذراندند و آوردند ما خیلی در اطراف قسمت غرامت بحث کردیم ما عقیده داشتیم که کمیانی طبق قرارداد داری در تمام ناسیساتی که در دنیا دارد نمی دانم دوست سبب شرکتهای تا به بود در معادن نقاط دیگری هم که وارد بود بعضی ای هم که داشت در تمام این قسمت ها یا سهم و شریک بودیم اگر قرارداد داری تا موقع ملی شدن نفت بعقیده جناب دکتر خجبت داشت پنج ششم دارائی کمیانی مال ایران بود که کمیانی برد و جناب دکتر یک کلمه در این موضوع فرمایشی نکردند ما در آن موقع در پشت این تریبون این موضوع را بحث کردیم پس از اینکه مانده را ملی کردیم و یک مشت آهن پاره از کمیانی گرفتیم سهام کمیانی تنزل کرده و کمیانی ورشکست شد اینها هم نفت ملی ماست که برده دارد تجارت می کند تمام آقایانی که در دنیا دارد میکنند مال ماست که بوده مال این پنجاه سال غارت است که در ایران کرده مسکوت ماند آن قسمتها را محاسب ۵۰ سال کمیانی را مطالبه میکردیم غرامت باید از کمیانی بگیریم آن موقعی که ایشان لایحه ۹ ماده ای را آوردند اینها ما اعتراض کردیم که شما این ماده غرامت را چرا نوشتید گفتند غرامت احتمالی نوشتند



هم که قرارداد نیست قانون است فردا  
 روش میکنم برای اینکه ما صورت حق  
 باب داشته باشیم در دنیا اینرا نوشته ام  
 مهندس حسینی - هرگز نگفته قانون است  
 روش میکنم این حرفها را نزنید این حرفها  
 برود مملکت است (قانونیکه بضرر ملت  
 شد باید سوزاند نفوس باید کرد این حرفها  
 شایسته نیست بزیند مافرامت را هیچوقت  
 بیار نرفتم در کتر مصدق با مریکارفتند  
 راه رفتند وغرامت را قبول کردند و حالا  
 انگلستان غرامت عدم انفیغ را دارد مطالبه می  
 کند انگلستان از مسالت جناب د کتر مصدق  
 سفاده کرد ولی حرفهای ملت ایران را آن  
 گهای که نفع ملت ایران بود قبول ندارد  
 جنگ نکرده بودیم برای سازشکاری ما  
 دوره یا نازدهم جنگ را شروع کردیم در  
 دوره ۱۶ مصدق السلطه ملحق باین صف شد  
 آجانی که درست رفتار میکرد ما با ایشان  
 بود ظنی نداشتیم از ش کمک میکردیم تا  
 نت نفوذ جناح چپ انگلستان واقع شد و  
 نفوق ایران را زیر پا گذاشت و نمایندگان  
 آنها در چهارید با اسم احزاب در مجلس این  
 برورد مریض را اغفال کردند با آن اساس  
 لغتگزاری فامیلش که من خیال میکردم  
 ناز دوره رضا خانی اورا عوض کرده ولی  
 مد معلوم شد عود کرده است  
 اصل خودش انگلستان در ممالک شرقی چه  
 بخواهد ؟ انگلستان غیر از خرابی در  
 ممالک شرقی جز فقر و بدبختی و نفاق و  
 نفاق چیز دیگری نمی خواهد باید ایجاد  
 فقر و نفاق و شقاق و بدبختی بکند تا حکومتش  
 ادامه بدهد جناب د کتر مصدق بیش از  
 نام رئیس الوزراها این فکر را در این  
 مملکت صلی کرده با هو و جنجال و تهمت و  
 تزا نباید حکومت کرد هو و جنجال و وظیفه  
 قلبت است برای اینکه اطلاع ندارد و  
 سائل را نمیداند که از چه فرار است يك  
 چیزی را که می شود برای او سوعظن  
 می شود در اطراف اشخاص حرفی میشوند  
 حق دارد داد و فریاد کند داد بزند که آقا  
 حقوق ما اینجا دارد از بین میرود جناب  
 د کتر که البته مافوق ملت و مملکت است  
 بترسد که پایش بمجلس برسد نجس شود  
 توی کبیسون ها هم نمی آید  
 ولی من نمی دانم این رجل چه ملتی  
 است که از شان فرار می کند برای دفاع  
 از کارهای خودش نمی آید روزنامه ارکانش  
 هم که اقلیت لندن مینویسد حائری زاده  
 لندن است یاد کتر فاطمی ؟ سوای کد امیک  
 لندن است ؟ خجالت خوب است ما در  
 موضوع نفت برای عوام فریبی بدنبال مبارزه  
 با کمیانی نفت خرفتم برای کوتاه کردن  
 دست قدرت انگلستان از ایران ما این  
 نام را کردیم ما می خواستیم در سالهای  
 کردن نفت سطح زندگی ملت ایران بالا  
 بیاورد نه اینکه گرفتار فقر و بدبختی باشد  
 لیره و دولار از آن روزی که د کتر مصدق  
 امه قبول نخست وزیر کرد تا امروز

سه مقابل ترفی کرده یعنی ثروت ایران  
 نلش برای ملت ایران نمانده این فقرو این  
 بدبختی و این بیچارگی معلول حکومت دو  
 ساله اوست تمام طبقات را بهم ریخته است  
 ما برای چه آمدیم مبارزه کردیم ؟ آیا در  
 مبارزه با انگلستان هوی و هوس داشتیم ؟  
 عوام فریبی بود ؟ دکان نفت باز کردیم که  
 حکومت کنیم ؟ بنده هیچوقت این جور  
 فکر نمیکردم کمیانی نفت سرمایه اولیه اش  
 آن چند لیره ای که بوده یا سهامی که بعد  
 دولت انگلستان بآن کمیانی کمک کرد  
 پنجاه و چند درصد سهامش که او پول داده  
 تمامش غارت اموال ایران است حسابی را  
 که دولت ایران مطالبه کرد و دفاتر کمیانی  
 را تحت تسلط خود قرار داد اگر در همان  
 محکمک لندن دفاتر کمیانی را رسیده گی شده  
 بود حساب پنجاه ساله را رسیده گی میکرد  
 معلوم میشد چه قدر غارت کرده اند انگلیس ها  
 از ایران . جناب د کتر يك کلمه حرف  
 میزند غرامت هم يك اصل مسلمی شده است  
 بنده که نبودم در آمریکا در محکمک لاهه  
 آنچه منکس میشد در ایران بیانات ایشان  
 که نیاید ملت ایران بودند این اصل را  
 ثابت و مسلم قرار داده بود که ایران برای  
 پرداخت غرامت حاضر است (مهندس حسینی -  
 صحیح است ولی دعاوی ایران سر جای خودش  
 است) حساب باید رسیده گی بشود اگر  
 بدهکار باشیم خیلی خوب (مهندس حسینی -  
 همین است) اگر بدهکار هستیم ولی امروز  
 تمام حرفها معلوم نیست من چند روز قبل در  
 روزنامه دیدم من که نماینده مجلس هستم  
 اطلاع ندارم دولت با انگلستان چه کاری کند  
 و روزنامه ها نوشتند که با انگلیس ها گفته اند  
 شما میزان غرامت عدم انفیغ را معلوم بکنید تا  
 رجوع بحکمیتش را معین میکنیم (مهندس  
 حسینی - هیچوقت همچو صحبتی نشده است)  
 این حرفها چیست باید حساب رسیده گی  
 بشود (صحیح است) کمیانی پنجاه سال ایران  
 را چپو کرده غاز نکرده باید حساب اینها  
 رسیده گی بشود (صحیح است - صحیح است )  
 يك کلمه راجع بر رسیده گی بحساب من نشیدم  
 ما اینجا نشسته ایم که هو و جنجال بکنیم و يك  
 مشت ملت گرسنه و بدبخت را تماشا بکنیم  
 و پشت پرده بعنوان اینکه مافحش با انگلستان  
 میدهم نو کر انگلستان باشیم و مگری او امر  
 و دستورات آنها باشیم انگلستان ....  
**نایب رئیس** - آقای حائری زاده  
 وقت شما تمام شد  
**حائری زاده** - بنده حرف خیلی  
 دارم .  
**نایب رئیس** - چه قدر تقاضای  
 کنید .  
**حائری زاده** - من یک ساعت وقت می  
 خواهم .  
**نایب رئیس** - حالا نیم ساعت تقاضا  
 بکنید  
**حائری زاده** - بسیار خوب نیم ساعت

بدهید اگر خستگی بر اینم نیاید که مرا  
 ممنوع بکنند از حرف زدن دوباره تقاضا  
 میکنم و اگر خسته شدم میگذارم برای يك  
 روز دیگر  
**نایب رئیس** - آقایانی که با نیم ساعت  
 اضافه نطق قبل از دستور آقای حائری -  
 زاده موافقت دارند تقیام کنند (ا کتر برخاستند)  
 تصویب شد بفرمائید  
**حائری زاده** - با حلو ا حلو گفتن  
 دهن کسی شیرین نمیشود اینکه بگویم من مخالف  
 انگلستان هستم و عملاً آنچه را که انگلستان  
 در ایران طالب هست انجام بدهم ممکن  
 است یکمده اشخاص ساده ای گول بخورند  
 ولی اشخاصی که وارد قضایا هستند گول  
 نخواهند خورد و متوجه خواهند شد که موضوع  
 از چه فرار است حکومت امروزه يك  
 حکومت بخت و ساخت شده موضوع نفت  
 را توی کوجه بن بست بردند حوادث دنیا  
 و زمان يك وضعی دارد برای ما پیش می -  
 آورد که من نمیدانم در آتیه ما باید سیاست  
 بی نفت را تعقیب بکنیم یا امید داشته باشیم  
 که بکروزی نفت هم کمک بودجه  
 مملکتی ما بکنند حوادث داخلی ایران هم  
 در تهران اوضاعش را آقایان می بینند  
 من نباید توضیح بدهم که اقلیت رخت بر  
 بسته دولت با هر کس طرفت دارد يك -  
 مشت اراذل و اوباش را ما مور می بکنند بر روند  
 مزاحمش باشند جلسه پیش آقای زهری يك  
 مردیست که خیلی کم حرف است از رفقای  
 ما است هم او را میشناسند شنیدم من هنوز  
 با خود ایشان صحبت نکردم شنیدم از اینجا  
 سواز تا کسی شده است که برود و یکمده  
 دنبالش میروند و جلوی کلانتری با وحمله  
 میکنند حالا عینکش میشکند و کتک میخورد  
 و چه میشود اینها پیش را من نمیدانم خود  
 ایشان خواهش میکنم توضیح بدهند که  
 ما روشن بشویم طرز عمل حکومت با مخالفینش  
 از این فرار است الساعه يك یادداشتی برای  
 من رسیده ولی چون امضا ندارد لابد از یکی  
 از همین آقایان بپرده است که از همین  
 آقایان بوده است که اطلاع داشته چون من  
 اطلاع درستی ندارم نوشته است که در تعقیب  
 نطق قبل از دستور جناب آقای د کتر  
 سنجابی که چارقد و سنجاق بدولت اهدا  
 کردند با آقای امیر احتشامی که مخالفت ایلی  
 با هم دارند جمله نمود اخیراً در غیاب امیر  
 احتشامی در کردند نزاعی بین کسان ایشان  
 و زارعین در گرفته اتفاقاً دونفر از کسان  
 امیر احتشامی کشته و چند نفر از طرفین  
 مجروح شده اند (د کتر سنجابی - بر عکس)  
 خوب بنده اطلاعی ندارم (د کتر سنجابی -  
 البته شما هر چیزی را که دستتان بدهند میخوانید)  
 با زیر سر محکمک بنام باباشاهی طرفین نزاع  
 را احضار و بعضی را زندانی و بعضی را با ضمانت  
 آزاد میکند و خود امیر احتشامی را با اخذ  
 صد هزار تومان وجه الضمان مرخص میکند  
 منتقدین داد گسترخی محرمانه فشار می آورند  
 که این با زیر سر بی تقصیر را من فصل نمایند و

آقای امیر احتشامی مخالف آقای د کتر  
 سنجابی را زندانی کند و همینطور باقی بماند  
 با زیر سر جدید چه وقت از تهران فرستاده  
 بشود در صورتیکه امیر احتشامی در این  
 واقعه حضور نداشته یعنی در قصر شیرین  
 بوده و دزد کردند نبوده (د کتر سنجابی - این  
 را کی برای شما فرستاده ؟) ضامن صحت  
 و قسم این مطلب من نیستم ولی این اصل را  
 در تهران می بینم که یکمده می آیند میزنند  
 می برندشان کلانتری آن مضروب را که  
 جزء تیب مخالف حکومت است نگاهش  
 میدارند و آن ضارب را که جزاعزامی -  
 های دولت است مرخص میکنند این وضع  
 در سنجابی در کردند در جاهای دیگر هم  
 ممکن است صحت داشته باشد من نمیدانم  
 یکی دیگر بمن نوشته است که آقای محمد  
 شیرازی فرزند مرحوم حاج آقای شیرازی  
 را هم در شیراز گرفته اند حالا چرا اینطور  
 است . با حزب ایران اختلافی داشته من  
 نمی دانم . عجالتاً حکومت حزب ایران است  
 و پیشوای معظم و مردم ایران حق حرف  
 ندارند امنیت و آسایش از این مملکت  
 رخت بر بسته از حیث کسب و کار و زندگانی  
 هم که وضعیت بازار روشن است سؤالی را  
 که آقای زریمان کرده بودند مال نرخی و  
 زندگی تهران که هویج را چار کی چند  
 و سبزی را که از يك فرسخی می آید چار کی  
 چند می فروشند برای اینکه اسکناس هائی  
 را که همین جور بی حساب توی بازار منتشر  
 کرده اند بکلی وضعیت عمومی و اقتصادی  
 مملکت را بهم زده است ارز های مملکت  
 آنچه که بوده خرج کرده اند من معتمد  
 ناطق محترم که مدافع دولت است دولتی  
 که من اینجا نمی بینم دولت مافوق اینها  
 است دولت از ما بهتران است و او غیر  
 از اینکه توی روز نامه ها بگوید فحش  
 بدهند ، یکمده اراذل هم چاقو کشی میکنند  
 فعلا کار دیگری ندارد موافقین او باید بگویند  
 که این دو ساله دولت چکار کرده باشد و  
 و جنجال بزند را که ما کردیم بیچاره کاشانی  
 تبعید شده زد و خورد کرد با هزار ساعده  
 تبعیدش کردند با آن وضع فحیح و ما اینجا  
 کشمکش کردیم ، حبس شدیم ، بدبختی  
 دیدیم زد و خورد کردیم تا طومار نفت را  
 پاره کردیم ، پاره کردن طومار نفت که  
 ربطی بجناب د کتر مصدق و حزب مقدس  
 طرفدارانشان ندارد . اینکارها را که ملت  
 ایران همه کرده اند ما ما نمی بکنیم که در  
 صف جلو بودیم ولی همراه اینها بودیم آن  
 کاریکه برای ملت ایران در طرف این دو  
 سال این حکومت کرده است بشیر از بدبختی  
 و بیچارگی ، بیاید بگویند ببینیم چکار  
 کرده و دولتیکه نیست ، آن ناطق که آمد  
 از من می آید اینجا صحبت میکنند این  
 چیز ها را جواب بدهد من چون حال خوب  
 نیست امروز آن دو چرای دیگر را میگذارم  
 بکنار و همین يك چرای راجع بمملکت



جناب دکتر مصدق را منتظر میشوم آقایان  
بیایند توضیحاتشان را بدهند که این جناب  
دکتر مصدق در ظرف این دو سال غیر از  
اینکه ایجاد اختلاف بین طبقات کرده ،  
مالک و زارع و برادر و پسر و پدر و شاگرد  
مدرسه و معلم همه را درهم ریخته چکار  
کرده است؟ این مدرسه ، شاموقع امتحانات  
می بیند چه خبر است ، این بچه ها درس  
نخوانده اند و غیر از زنده باد و مرده باد  
کشیدن کاری نداشته اند ، دولتی که روز  
۲۷ فروردین سیصد هزار تومان مخارج  
میکند و مدارس را تعطیل میکند که یک  
دستگاه زنده باد و مرده باد جلو مجلس راه  
بیاندازد که ما برای حفظ آزادی مجبور  
شدیم مجلس را بشکینیم و تشکیل نشود این  
دستگاه زادیو دنیال آنها راه می افتد و  
نمایشهای آنها را توی صفحه ضبط میکند  
و پشت رادیو میکوبد که ماروز زادیو را  
گرفتم دیدم نمایشهای اینها را نقل میکند  
مامی شنیدیم تازه شب هم قانع نمی شود این  
را بصورت یک صفحه میگذارد در توی  
انومیل بلند گوو توی شهر می چرخاند دولتی  
که این اندازه برای تبلیغات حاضر است  
وقتی که میگویند این و کلامی بخواهند مردم  
بفهمند چه خائینی هستند که با حکومت  
دکتر مصدق مخالفت میکنند . با این فرشته  
رحمت ، با این نتیجه شجره طیبه صد و  
پنجاه ساله این مملکت مخالفت میکنند ،  
اینها چه اشخاص فاسدی هستند اینها بگروری  
طنابش آرنج خشک کرده ، اصلاحات  
فنی چه و اشکالات چه و از این چرند ها  
را حواب میدهد استعفا من اینست که آن  
ناطق که از طرف دولت می آید اینجا و  
این و کلای دولتی که در اینجا مدافع دولت  
هستند خود دولت را که نمی بینیم که از او  
بپرسیم اگر سؤال بشود من سؤالیهای  
زیادی دارم که کسی نیامده است جواب  
بدهد بگوروز هم بنده آمدم گفتم اسکناس  
چاپ شده است گفتند اسکناس چاپ نشده  
در صورتی که من اسکناس توی جیبم است  
که امضای جناب مهندس رضوی را دارد  
در صورتیکه جناب مهندس رضوی را پیشوا  
بعنوان بازرس برد اینجا و روی اسکناسها  
امضای جناب مهندس رضوی هست . این  
دلیل اینست که اسکناس منتشر کرده اینرا  
گفتم و جناب معاون نخست وزیر آمد اینجا  
و گفت جدا تکذیب میکنم . خوب تکذیب  
کردن و دروغ گفتن و نهمت زدن کار آسانی  
است . حکومت که نباید پایه اش روی جنجال  
و آشوب باشد حکومت باید دلیل داشته باشد  
منطق داشته باشد حرف حسابی داشته باشد  
مایک چیزهایی می شنویم این اصالی را که ذکر  
کردم من اوایل ظنن شدم ولی حالا قین  
کردم که این اعمال ضرر مملکت است  
این اعمال خیانت است دکتر مصدق اگر  
هالم و هالماست باید تسلیم محکمه شود ولی  
اگر از ضعف نفس و بیچارگی است باید  
برود با اسبگاه فلان چون با حال ضعف

و کسالت و بدبختی مبارزه می کنم و از  
آنها تیکه مدافع دولت هستند ، و کلابیکه  
طرفدار و حامی و مدافع دولتند تقاضای  
کنم بیایند بگویند که دولت در این دو ساله  
چکار کرده غیر از اینکه یک پشت هو و  
جنجال بکنند و فحش بدهند . بنده عجاتاً  
امروز عرایضم را تمام میکنم و همینقدر  
را کافی می دانم .  
**دکتر سنجابی** - بکر پنج ساعت وقتتان  
باقی مانده است .  
**حائری زاده** - حال خوب نیست  
عصبانی شدم دیگر نمی توانم صحبت  
بکنم .  
**نایب رئیس** - آقای دکتر فلسفی به  
نظم وقتتان را با آقای دکتر سنجابی  
داده اید .  
**دکتر فلسفی** - بلی  
**نایب رئیس** - بفرمائید آقای دکتر  
سنجابی  
**دکتر سنجابی** - وقتی در روزنامه  
شاهد داستانی حکایت شده بود که کوه  
درد زائین گرفت البته هر قدر مادر عظیم  
و مجلل باشد انتظار می رود که مولود او  
بیشتر خارق العاده باشد . رودابه افسانه ای  
که سمرغ قابله او بود باید رستم داستانی  
را بوجود بیاورد وقتی که کوه عظیم درد  
زائین داشته باشد انتظار می رود که مولود  
فوق العاده ای از آن بوجود بیاید مثلاً یک  
شط عظیم جاری شود یا آتشفشانی بشود یا  
معدن بزرگ و قیمتی ظاهر گردد ولی کوه  
عظیم پس از رنج بسیار و درد و تکانهای  
شدید و انتظار زیاد ، زائید ، یک موش  
مردنی کوچک و ضعیف بدنیا آورد . مدتی  
بود که در این مجلس عده ای در دافشای حقایق  
و پرده برداشتن از اسرار عظیم داشتند و میگفتند  
ای ملت ایران هشیار باشید که دولت  
دکتر مصدق و نمایندگان نهضت ملی از  
افشای حقایق میترسند و جلو گیری مینمایند  
بالاخره پس از تشنج زیاد و انتظار بسیار  
روز موهود افشای حقایق رسید . حقایق  
را که جناب آقای حائری زاده مادر یا  
نامادری آن باشند مردم انتظار داشتند  
که خبر های تازه و عجیب و شنیدنی باشد  
ولی دیدیم و شنیدیم و داستان آن موش  
کوچک مردنی را مجدداً بخاطر ما آورد .  
آقای فئات آبادی از نهضت مقدس ملت  
ایران صحبت بمیان آوردند و فرمودند که  
مبارزین با استعمار انگلستان در ابتداء  
معدودی بودند و اشخاصی که این نهضت را  
آغاز کرده اند افتخار تقدم دارند کسی  
منکر این امر نمیتواند بشود . جوانمردی  
و فداکاری آن اشخاص فراموش شدن نیست  
ملت ایران هم بزرگترین پاداش را بدینها  
داد ولی مطلب اینست ، چه شده است که  
بعضی از آن اشخاص اکنون از صف  
نهضت ملت ایران جدا شده اند؟ اساس این  
نهضت همان طور که ایشان بیان فرمودند  
مبارزه بر علیه سیاست دیرین استعماری

انگلیستان بوده . آیا نهضت ملت ایران به  
نتیجه نهائی رسیده که مبارزین اولیه پس  
از وصول به هدف هر کسی بدنبال کار و تعقیب  
هوی و هوس و اغراض خصوصی و شخصی  
خویش برود؟ یا کسی که اداره و رهبری  
این نهضت بی نظیر باو سپرده شده از اصول  
آن منحرف گردیده که اکنون با این شدت  
و بی انصافی با او مخالفت میشود ؟ چه شده  
است که مخالفین و معاندین دیر روز جزایران  
و مؤلفین امروز شما شده اند؟ انحراف از  
نهضت ملی یعنی سازش و همکاری با سیاست  
استعماری انگلستان . آیا واقعاً قابل قبول  
است دکتر مصدق که با آنهمه تدبیر و شجاعت  
و کاردانی قانون ملی شدن نفت و سپس  
اجرای آنرا رهبری کرد ، اکنون با سیاست  
استعماری هر چه و از هر ناحیه ای باشد سازش  
کند؟ (دکتر بقائی - صحیح است) دکتر  
مصدق که حاضر نشد در مذاکره با هیئت  
تأمیندگی شرکت نفت که با حکسورن بایران  
آمده بودند کوچکترین انحرافی از قاعده  
ملی شدن نفت را قبول ننماید مصلحتی کدر  
مقابل هر یمن و استو کس استادگی نمود  
مصدقی که فشارهای روز افزون ترومن که  
بصورت ظاهر فریب میانجیگری اظهار  
میشد کوچکترین تأثیری در اراده ثابت او  
نکرد ، مصدقی که با آن شهامت و جوانمردی  
در شورای امنیت از منافع ملت ایران دفاع  
کرد...  
(در این موقع یک نفر از جایگاه  
تماشاچیان تظاهراتی کرد که  
بلافاصله بدستور مقام ریاست جاب  
و از طالار جلسه علنی اخراج شد)  
**نایب رئیس** - بفرمائید آقای دکتر  
سنجابی .  
**دکتر سنجابی** - مصدقی که با آن  
شهامت و جوانمردی در شورای امنیت از  
منافع ملت ایران دفاع کرد و پیروز شد ؛  
مصدقی که جریان دادرسی لاهه را بتنع  
ملت ایران بیایان رسانید و به بزرگترین  
و ارجمندترین پیروزیها نائل آمد ، مصدقی  
که در قنسلگریها یعنی لانه های جاسوسی  
سیاست استعماری انگلستان را بست که  
هنوز نوکران و مزدوران آن خانه ها با  
حسرت یاد آن ایام میکنند و باندب و وزاری  
از آن دیوارها معجزه برقراری مجدد بساط  
جیره خواری میطلبند ، مصدقی که با انگلستان  
قطع رابطه سیاسی کرد ، مصدقی که پیشنهاد  
ترومن و چرچیل را با سر سختی رد نمود  
آیا قابل قبول است که چنین مردی که در  
دوران عمرش کوچکترین خطا و خیانتی  
نسبت بمنافع ملت خود نکرده اکنون پس  
از آنهمه مبارزات و پس از آنهمه پیروزیها  
پس از اینهمه افتخارات جاودانی با دشمن  
مکار و غدار ملت ایران سازش نماید؟ کسانی  
که چنین حرفهایی میزنند مخصوصاً آنهایی  
که از همکاران و همقدمان اولیه دکتر مصدق  
و با پیشروان نهضت ملی بوده اند و اکنون

رفیق بنیاده راه شده اند باید برای توضیح  
عمل و انحراف نابخشودنی خود یکی از این  
دو چیز را ثابت نمایند یا ثابت کنند که در  
مشی مبارزه دکتر مصدق با سیاست استعماری  
تغییری حاصل شده ، یا باید ثابت نمایند که  
از اول در اساس این نهضت و ملی کردن  
صنعت نفت انگلیسها دست داشته و آنها  
فریب خورده بودند که بیشتر و بیشتر این نهضت  
شده بودند ، کسانی که مدعی انحراف و از بنی  
سازی برای سازش هستند چرا آنرا فاش و  
آشکار نمیکند؟ چرا پس از اینهمه لاف و  
گزاف که پرده ها را بالا می زنیم و حقایق  
را آشکار میکنیم چیزی از این مقوله نمی  
گویند ؟ چون درباره مهن دوستی و استقامت  
دکتر مصدق در برابر مگانگان و سختی آوردن  
اجرای قانون ملی شدن نفت کوچکترین  
بهانه ای در دست ندانند مخالفت و کارشکنی  
غیر موجه خود را با این عنوان توجیه می نمایند  
که اداره شرکت ملی نفت بگسائی سپرده  
شده است که مداخل و فاداری از دولت  
انگلیس یا شرکت سابق نفت گرفته اند ، هر  
کس جزئی انصافی دارد باید تصدیق نماید  
که این حرفها بهانه جوئی است و بهر حال  
مجوز مخالفتها و کارشکنیهای باین شدن  
نمیشود . این یک یا چند نفریکه مورد ایراد  
هستند خدمات و کارهای فنی داشته و اکنون  
نیز مصدقی خدمات فنی می باشند . آیا در  
خدماتیکه باین اشخاص ارجاع شده تا  
کنون خیانتی ظاهر گردیده ؟ بعلاوه این  
اشخاص در امر ملی کردن و اداره نفت ایران  
چه اختیاری دارند که بتوانند خیانتی بکنند  
آیا اختیار بستن قرارداد و تمدید امتیازها  
مذاکره مربوط بفرامت و سایر دعاوی  
با آنها داده شده است ؟ آیا این اشخاص  
بدون تصویب دولت میتوانند معامله ای در  
باره نفت بکنند ؟ شرکت ملی نفت از کار  
و تخصص اینها استفاده میکند بدون اینکه  
اختیاری در امور سیاسی یا تجاری مربوط  
بنفت بآنها داده شده باشد همه میدانند  
یکی از ایرادهای ملت ایران بشرکت سابق  
نفت ایران این بود که متخصصین ایرانی  
باندازه کافی تربیت نیکرد و بیشتر امور مهم  
در دست انگلیسین و خارجیها بود در آن  
موقع ما میخواستیم که با ایرانیان متخصصی  
ماور باشند ، اگر چند ایرانی در نتیجه تحصیل  
عالی و با کاردانی خود بدرجه ای رسیده باشند  
که در شرکت سابق مصدقی خدمات بالنسبه  
مهمی بوده و در آن خدمت هم صنعت عمل  
و شایستگی نشان داده و مورد تقدیر واقع شده  
باشند ، بدون اینکه خیانتی بدولت و ملت  
خود کرده باشند آیا انصاف خواهد بود که  
ما آنها را بهانه اشکه در گذشته مورد تقدیر  
و رضایت کارفرمایان بوده اند از خود برانیم  
و از تخصص و کارشناسی آنها استفاده نکنیم  
بلی در خدمت شرکت سابق اشخاصی بوده  
که مأموریتهای سیاسی داشتند ، جاسوسی  
میکردند ، در امور داخلی مملکت بطن



رکت مداخله می نمودند ، این اشخاص  
به از دستگاه شرکت ملی نفت رانده شوند  
رانده هم شده اند ( دکتر بقائی - مثل  
کتر بقائی در هیئت دولت می آید ) حال  
وجود همه اینها فرض کنیم که دولت در این  
باشگاهی کرده باشد ، آیا این اشتباه  
کافی خواهد بود که با دولت مخالفت اصولی  
کنیم ؟ مگر این دولت همان دولت نیست که  
دوره گذشته اکثر وزرای خود را از رجال  
دوره سابق انتخاب کرده بود و شما با آن  
موافق بودید و ملت ایران میگفتند که ما  
بجور هستیم نامدتی با همان ابزار گذشته  
کار کنیم حال چه شده است که استدلال خود  
را تغییر داده اید ؟ موضوع دیگری که در  
این روزها بهانه بدست آقایان داده - فروش  
نفت با تخفیف ۵۰ درصد میباشد ، بعضی  
آنها تاریخ هستی ملت ، جناب آقای دکتر  
بقائی زمینه سازی برای سازشهای بعد معرفی  
میکنند ، اینهم از همان نوع تهمت های جمال  
الامی و شوشتی است که در موقع اقامت  
استو کس در ایران به دکتر مصدق نسبت  
می دادند آقای دکتر بقائی اگر دکتر مصدق  
اهل چنین سازشی بود تا حالا کرده بود ،  
این حمل دولت که برای مدت ششماه تخفیف  
نوق الماده در قیمت فروش نقدی نفت قابل  
شده یکی از بهترین و مؤثرترین سیاستهای  
دکتر مصدق است زیرا فقط در نتیجه آن بود  
که حلقه معاصره سیاسی و اقتصادی انگلستان  
شکسته شد و مقدار قابل توجهی نفت ایران  
ببازارهای دنیا صادر گردید و اکنون نیز  
در حال صدور میباشد این سیاست  
**نایب رئیس -** آقای دکتر سنجابی  
وقت جناب عالی تمام شد  
**دکتر سنجابی -** بنده اجازه می -  
خواهم که عرایض خود را تمام کنم ، بنده  
بسیار بیکر اجازه میخواهم  
**نایب رئیس -** آقایانیکه با نیم ساعت  
اجازه نطق قبل از دستور آقای دکتر  
سنجابی موافقت دارند قیام بفرمایند ( اکثر  
برخواستند ) تصویب شد بفرمائید  
**دکتر سنجابی -** این سیاست تخفیف  
اولا برای مدت ششماه است ثانیاً در خصوص  
آن دولت ایران حرم مقابل بهیچ دولت و هیچ  
فرد خارجی تهدید نکرده و دست او آزاد است  
و هر وقت که بخواهد میتواند نظر خود را  
تغییر دهد ، اگر کارشکنیها و اخلاقیگری -  
هاییکه در مدت چند ماه اخیر در کار دولت  
شده و مملکت ایران را بصورت یک کسانون  
آتش و انقلاب و یک کشور مفلوج و غیر قابل  
بجایان معرفی کرده نبود مسلماً و بطور  
لعین تاکنون در راه شکستن موانع و  
سد های فروش نفت موفقتهای بیشتری  
حصول می شد ، حتی میتوانم ادعا کنم که  
موضوع فروش و صادرات نفت بآن حدی  
لوسه پیدا کرده بود که میتوانستیم آنرا  
حل شده تلقی کنیم و شاید هم دولت ناچار  
نمی شد بیکه برای این مدت ششماه چنین

تخفیفی در بهای نفت خود قائل شود کسانیکه  
مسبب این تحریکات و اخلاقیگریها در کار  
حکومت د کتر مصدق بوده اند ، آنها که  
در تضعیف حکومت و برای ساقط کردن او  
میگوشند باین ترتیب دانسته یا ندانسته  
سیاستهای خارجی خدمت میکنند . آقایان  
سیاست و نظرها از روز اول در موضوع ملی  
کردن نفت معلوم بوده و همواره بر آن اصل  
ثابت و استوار هستیم . ما علی رغم آن دو -  
دسته مزدوری که ابطال قرارداد باطل ۱۹۳۳  
و یا ملی کردن نفت جنوب را پیشنهاد میکردند  
و علی رغم آنکه طرق سازش دیگری را  
با دولت انگلستان و شرکت سابق پیشنهاد  
می نمودند بمعکثرین و استوارترین اصل  
بین المللی یعنی ملی کردن صنعت نفت در  
سراسر کشور متوسل شدیم و خدا را شکر  
میکنیم که در این راه تشخیص ما درست بود  
انتخاب همین سیاست معقول موجب گردید که ما  
را در جهان بیروزیهای درخشان نایل کند  
و اکنون نیز در برابر خداوند متعال و در برابر  
ملت ایران بار دیگر عهد و پیمان میکنیم که  
تا پیروزی نهائی و آخرین نفس در این  
راه ثابت و پایدار باشیم  
( انشاء الله ) . اما اشخاصی هستند که اکنون در  
صف مخالف ما قرار دارند و خود را از  
درد کشان روز ازل میدانند و در این باره  
نظریات دیگری داشتند که اکنون به  
ذکر یک مورد آن بپردازم و آن  
نقل از شماره چهارشنبه ۲۲ فروردین ماه  
۱۳۲۹ روزنامه صفیر بقلم آقای دکتر مظفر  
الدین بقائی کرمانی استاد اخلاق است  
که برای راستی و آزادی قیام کرده است  
باید در نظر بگیریم که این مقاله بعد از  
مبارزات دوره پانزده و بعد از مبارزات  
انتخابات دوره شانزده نوشته شده است در  
سرلوحه این شماره یک جمله تاریخی بسیار  
معنادار و مطابق با واقع باخط درشت  
مرفوم شده و آن اینست : « حرف مرد  
یکی است » و بعد سر مقاله آن تحت عنوان  
« اندر پس مرگ ما چه دریاچه سراب »  
می باشد .  
در این مقاله آقای دکتر بقائی در  
بار ملی کردن نفت مرفوم میدارند :  
و این یک امر بدیهی است که اگر ما  
الان با همان فرض مجال نفت را بدست  
بگیریم ، اداره آن مسلماً بدست رجال  
عالم قدری همانند جناب آقای گلشایان ،  
جناب آقای دکتر اقبال ، جناب آقای دکتر  
زنگنه و یا اشخاص بسیار صلاحیت داری  
مانند جناب آقای پیر و جناب آقای ابتهاج  
خواهد بود ( بقائی - بیات را از قلم انداخته )  
بسیار خوب تا آنجا را که قبول دارید چون  
حرف مرد بقول خودتان یکی است . . .  
ما باید واقع بین باشیم . باید توجه کنیم که  
این دستگاه نمی تواند کار کند و نمیخواهد  
مسئولیت قبول کند  
اما شما تصور میکنید که اگر ما

نفت را گرفتیم اداره آنرا بمهندس حسینی  
خواهند داد - یا جناب آقای خسرو هدایت یا  
جناب آقای مهندس عزت الله هدایت یقین  
داشته باشید که این دستگاهی که بر سر  
کار است امثال مهندس حسینی هاراه چووقت  
راه نخواهد داد شاید تمام مملکت ایران  
حاضر باشد حتی در شرایط بدتر از این هم  
انگلیس های نفت خوار پر مدعای بی انسانیت  
را از این مملکت بیرون کند یا بعد از این  
هر چه پیش آید خوش آید دل خوش بدارد  
ولی اینکار با وضع فعلی دنیا بنظر ما محالاً  
مقدور نیست  
آرزوی می توایم خودمان اداره نفت  
بدست خودمان باشیم که قبلا دست این  
رجال خدمتگزار فعلی را از کار کوتاه کرده  
باشیم و کارها بدست امثال حسینی هاسپرد  
شود بنظر ما اگر با اوضاع فعلی موفق  
شویم مناسبات خودمان را بر اساس عاده  
بامین شرکت نفت برقرار کنیم به  
درجات بهتر از این خواهد بود که خودمان  
چیزهایی باشیم که فعلاً متأسفانه توانایی  
رسیدگی با آنرا نداریم ما معتقدیم در درجه  
اول بایستی بامین شرکت ملی نفت قرارداد  
منعقد سازیم که اولاً مالک زمین و مالک  
نفت و صاحب سرمایه واقعی هستیم افلا ۵۰  
درصد از سهام متعلق بایران باشد فیتی  
فیتی همان حرفی را که استو کس زده است  
( میرا شرافی - همان عملی که الان شما دارید  
میکنید شما که از اینهم کمتر کردید )  
ثانیاً گذشته از منافع آن سهام و مالیاتی که  
شرکت حقاً باید بپردازد از مقدار نفت  
مستخرج هم حقی برابر نفت سمودی یا نفت  
و نزولاً دریافت داریم آقایان باید در اداره  
شرکت نفت و مؤسسات آن کاملاً سهیم و وارد  
باشیم البته بمصدق سرلوحه روزنامه شاهد که  
حرف مرد یکی است بعد از مقابل سیل احساسات  
و افکار عمومی و نهضت ملی شدن نفت آقای  
دکتر بقائی از اظهار خودشان بوزش  
خواستند ولی من از ایشان سؤال میکنم  
آیا در عقیده خود درباره مهندس حسینی  
باقی هستند یا باز هم حرف مرد یکی است ؟  
در مقدمه این قسمت عرض کردم مخالفین  
دکتر مصدق باید یکی از این دو امر را  
ثابت کنند یعنی یا باید ثابت کنند که  
ایشان از سیاست مبارزه علیه سیاست  
استعماری انگلستان و پیروی از قانون  
ملی شدن صنعت نفت عدول کرده اند و  
ثابت نمایند که ملی کردن نفت اصلاً و  
از روز اول سیاست خود انگلستان بوده  
است نمیدانم عقیده آقای حائری زاده  
در این باب چیست ؟ ( حائری زاده -  
قضیه برعکس است موافقین دولت باید ثابت  
کنند ) اثبات با مدعی است درباره این  
نظریه دوم باید عرض کنم که این حرف  
گفته منفی بافان و مستضعفین و مرعوبین  
است برای این که من حقیقت این نظر را  
آشکار کرده و برای اینکه تعجیل و حق

شناسی نسبت بیکی از یاران اولیه این  
نهضت شده باشد چند قسمت از مقاله ای  
را که اخیراً آقای ارسلان خلعت - بری  
بعنوان مردم ایران صنایع نفت خود را  
ملی کرده اند نوشته و این موضوع را با  
استدلال قوی روشن ساخته است قرائت  
می نمایم .  
« اظهارات و نوشته های اشخاصی  
که ملی شدن صنعت نفت ساخته و پرداخته  
انگلیس ها میدانند خلاصه براینکه چون  
ایران جزء منطقه جنگ آینده است انگلیسها  
با دست کشیدن از نفت ایران خواسته اند  
از ایران غرامت اموالی را بگیرند که  
مسلماً بدست شوروی ها خواهد افتاد و  
از نظر وضع دنیائی دیگر فایده ای از  
نگاهداشتن نفت ایران نداشته ( دکتر  
بقائی - در چه روزنامه ای نوشته شده )  
در روزنامه ایران ما بود بسیار سست و  
بی پایه است نمیدانم قبول دارید این رایانه  
انگلیس ها بسیار عاقل تر از این هستند که  
بامید گرفتن مبلغی از ایران خود چیزی  
را از دست بدهند که لا اقل سالی  
صد میلیون لیره برای آنها درآمد داشته  
و ششصد میلیون دلار برای آنها ارز تهیه  
می نموده چه اگر از نظر وضع بین المللی  
ایران در خطر بوده و یا بدست شوروی  
ها مافتاد و منظور انگلیسها هم این بود  
که آبادان را بگذارند و بروند و مبلغ  
هنگفتی بعنوان غرامت بگیرند ( میرا شرافی -  
یعنی همانکه آقای دکتر مصدق الان  
قبول کرده که میگوید من غرامت نمی دهم )  
و انگلیسها بهتر از همه می دانستند که  
در آن صورت دیناری غرامت از ایران نمی -  
توانستند بگیرند و اگر فرض کنیم چون  
شوروی با آبادان و مناطق نفت خیز میرسد  
قطماً بیفاد هم رسیده و زودتر از آبادان  
به بصره میرسد و لذا نفت عراق از دست  
میرود و از آنجا کویت بمباران وزیر و رو  
خواهد شد پس شرکت سابق نفت انگلیس  
ها می بایستی از نفت عراق و کویت و جا  
های دیگر هم بهمین خیال دست بکشد  
و حال آنکه استخراج عراق و کویت  
و جاهای دیگر را زیاد کرده اند یک مسئله  
که از آن نام بیان آمده نصفه خانه  
آبادان است بعضی ها میگویند و می -  
نویسند چون انگلیسها می خواستند نصفه  
خانه را بتدریج بانگلستان منتقل کنند لذا  
بقای نصفه خانه آبادان نفعی بحال آنها  
نداشت و از آن دست کشیدند که قیمت  
را بمبالغ هنگفتی از ایران بگیرند نصفه  
خانه آبادان بر نفع ترین و بزرگترین نصفه  
خانه عالم بود که طبق ارقام ظاهر در آن  
سنوات اخیر هشتاد میلیون لیره درآمد سالیانه  
نشان می داد چگونه انگلیسها خودشان  
سبب می شدند که مبلغ درآمد را از دست  
بدهند  
چگونه می توان تصور نمود که دولت



انگلیس و شرکت نفت سابق نشستند و نقشه‌ای کشیدند که نتایج آن برای انگلستان از این فرامی باشد

۱- از دست دادن حیثیت و مقام و اهمیت انگلستان در تمام آسیا و خاورمیانه و تشویق ممالک دیگر خاورمیانه بساقدامی نظیر آن

۲- از دست دادن يك پایگاه مهم سیاسی و ارتباطی در آسیا و خاورمیانه

۳- از دست دادن سالی متجاوز از یکصد میلیون لیره در آمد

۴- از دست دادن سالی متجاوز از شصده میلیون دلار ارز خارجی

۵- از دست دادن نفت مفت برای بحریه انگلستان

۶- از دست دادن سالی ۲۸ میلیون لیره به عنوان مالیات خزانه داری انگلستان

۷- معروف نمودن چند هزار نفر انگلیسی از حقوق و مزد و وسائل بی نظیر زندگی در دنیا

اگر فرض کنیم انگلیسی های زیرک می خواستند نفت ایران را پیرای خاطر منافعی که تصور می کردند از دست بدهند چرا باین طریق متوسل می شدند که هم در دنیا پرستیخ خود را از دست بدهند و هم منافع هنگفت خود را و هم در این حال بیست میلیون مردم ایران را از خود متنفر و بدبین بسازند و چرا مثل لنین یکباره القای امتیازات دوره تزاری را در ایران نمود لنین امتیاز ۱۹۲۳ را اعلام نمیکردند که محبوبیت مقامی را هم در دل ایرانی ها بدست آورده باشند (میر- اشرافی- لنین محبوبیتی هم در میان ملت ایران کسب نکرده است) بنده از خود نیسگویم مقاله ای را قرائت می نمایم که نویسنده آن آقای ارسلان خلعتبری است

و این جمله را هم بعنوان آقای حائری زاده باید از خود اضافه نمایم شما که میگوئید و یا می خواهید چنین وانمود نمائید که دکتر مصدق از روز اول در حلقه سیاست انگلستان بوده و نقشه های آن دولت را در کشور خود بازی کرده است هر گاه این ادعای کذب و بی اساس و توهین آمیز شما و نظائر شما که از اول و سالها در این مبارزه با دکتر مصدق همراه هم قدم بوده اید و در جبهه ملی او وارد شده اید و در ملی کردن صنایع نفت بسیار او شریک بوده اید به دولت رای داده اید و از او در مقابل حملات و اتهامات جمال امامی و شوشتری که بنظر نظیر اتهامات امر و روشهاست حمایت کرده اید با در توطئه و نقشه های او شریک بوده اید که در این صورت حالیا و هماغه ملت خود را فریب داده اید و حق نداریید که برای مبارزات خود در نهضت ملت ایران افتخاری رای خویش قائل باشید و یا خود شما

فریب خورده اید در این صورت اشخاصی که اینقدر گول و ساده و زودباور و مستعد برای فریب خوردن باشند حق زعامت و رهبری ملت را ندارند و از کجا معلوم است که گول دسیسه و نیرنگ سیاست مکار و محیل دیگری را نخورده باشید نکته دیگری که باید بگویم اینست که اغلب در مقالات روزنامه شاهد از گان آقای دکتر بقائی و ملت ما از گان آقای قنات آبادی و همچنین در نطق ها و بیانات این آقایان گاهی ما را منسوب بسیاست امریکا و گاهی متمایل بسیاست شوروی معرفی میکنند آقای حائری زاده هم در نطق اخیر خود گویا ما را بجلجلاچ چه سیاست استعماری انگلستان نسبت داده اند اصطلاح باند توده ای - نفتی دلار یعنی باند روس و انگلیس و آمریکا را گویا برای معرفی ما وضع نموده اند نمی دانم این سیاستهای متناقض و مخالف که در سراسر جهان مثل دشمن خونین در مقابل هم صف آرائی میکنند و با خرج میلیاردها برای خنثی کردن نقشه یکدیگر کوشش میکنند و جنگ و کشتار عظیم جهانی دیگری را توطئه می چینهند چگونه شبهه است که در کشور ما با هم اتحاد و اتفاق پیدا کرده اند آیا دکتر مصدق معجزه کرده یا شعبده ای بکار برده است که توانسته است سه سیاست مخالف و متناقض را با هم جمع نماید و با آنقدر ها ساده و بی تجربه است که بی اراده آلت دست سه سیاست متناقض شده باشد چون بقول آقای دکتر بقائی حرفی بر دلیلی یکی باشد از آقایان خواهش میکنم که فکر ایشان را یکدفعه جمع بفرمایند و تکلیف ما را معلوم بفرمایند که مانو کر کدامیک از این سیاست ها هستیم نکته دیگر از فرمایشات آقای دکتر بقائی راجع بانتهای آقای روحی بود در این موضوع نمیخواهم وارد بشوم و قضاوت آن با مجلس است ولی يك نکته از فرمایشات ایشان را نمیتوانم بلا جواب بگذارم ایشان مدعی هستند که چون از دومحل انتخاب شده اند حق داشته اند نمایندگی هر دو محل را قبول نمایند و نمایندگی هر دو محل توانسته است در وجود ذی جود ایشان جمع بشود و یا چون ایشان نمایندگی هر دو محل را قبول کرده اند مجلس مکلف بوده یکی از آنها را تصویب کند و نسبت به یکی از آنها سکوت نماید و نمایندگی محل مزبور بلامتکلیف بماند آقای دکتر بقائی این ادعای شما نه تنها برخلاف عقل سلیم است بلکه ناقض اصول دموکراسی و مشروطیت است ماده اول قانون انتخابات میگوید عده نمایندگان ۱۳۶ نفر است اگر هر کسی میتواند نمایندگی چند محل را در وجود خود جمع نماید ممکن بود مجلس شورای ملی فقط با چند نفر تشکیل شود مثلا اگر ۱۲ نفر وکیل طهران هر يك از ده محل دیگر انتخاب بشوند ممکن بود مجلس شورای ملی با همان ۱۲ نفر تشکیل شود مرحوم رضا

شاه در دوره زمامداری خود از بیست محل انتخاب شده همان ترتیب ممکن بود نمایندگی بقیه شهرستانها را هم بچند نفر دیگر تخصیص دهند مجلس شورای ملی نماینده گئی شما را از طهران تصویب کرد و چون يك نفر نمیتواند در آن واحد نماینده بیش از يك محل باشد نمایندگی دیگر شما خود بخود ملغی گردیده است (دکتر بقائی - ماده ۵۱ را چکار میکنید) جناب عالی توضیحش را بفرمائید

و اما در موضوع قتل مرحوم تیمسار افشار طوس آقایان قنات آبادی و دکتر بقائی اظهاراتی فرمودند در قسمتی که مربوط به شخص آقای دکتر بقائی است اینجانب هیچگونه اظهار نظر نمیکنم زیرا عضویت کمسیون دادگستری را دارم و بوظیفه وجدانی خود عمل خواهم کرد هر گونه اظهار نظری را قبل از اینکه بمذاکره و سوابق رسیدگی شود ممکن است قضاوت قبلی تلقی شود فقط عرض می کنم و وجداناتم می نمایم که هر گاه جناب آقای دکتر بقائی یکی از چهارمطلب ذیل را ثابت نماید

۱- افشار طوس برده و کشته نشده است

۲- در صورتیکه برده و کشته شده باشد مربوط باشخصی که متهم شده اند نیست بلکه اشخاص دیگر عامل آن بوده اند

۳- در صورتیکه شرکت و مباشرت متهمین ثابت باشد ولی آقای دکتر بقائی ثابت کنند که موضوع ربودن افشار طوس در منزل حسین خطیبی صحیح بوده است

۴- در صورتیکه انجام جرم ربودن در منزل خطیبی صورت گرفته باشد ولی ثابت شود که حسین خطیبی و سایر متهمین در این موضوع ارتباطی با دکتر بقائی نداشته و آقای دکتر بقائی از جریان برکنار و بی اطلاع بوده است گاه دولتی بمنظور مخالفت سیاسی برای ایشان پرونده سازی کرده است

نه تنها کوچکترین نظری برخلاف ایشان اظهار نخواهم کرد بلکه یکی از مدافعین جدی ایشان خواهم شد در این باب دفاعی از ایشان خواهم کرد که دفاع معروف امیل ژولیا را از دیرفوس تحت الشعاع خود قرار دهد (احسن است)

آقای قنات آبادی در نطق خود اینطور وانمود کرده اند که دستگاههای دولتی در قتل افشار طوس دخالت داشته اند ضمنا گویا خواستند آنرا مربوط به تیمسار سرتیپ ریاحی بکنند ایشان مردم وعده کرده بودند که برده ها را بردارند و اسرار را فاش کنند ولی این بیان ایشان يك ادعا و تهمت صرف است و کوچکترین دلیل و قرینه بآن اضافه نکردند و معلوم نیست کسی این حقایق را بیان خواهند کرد

و تا موقعی ادعای خود را ثابت ننمایند طبق اصول قانون عنوان دیگر غیر از مقرر در باره ایشان صدق نمیکند

آقا شما با دولت مخالف هستید واقعا راست میگوئید و دولت اسباب قتل و سرقت و جنایت را فراهم کرده چرا آن را بیان نمی فرمائید چرا آن آشکار نمیکنید

دیگر منتظر چه هستید شما ظاهر آنرا از طواف خانه خدا مراجعت کردید و برابر خدا لایق متعهد شده اید که ممبر نفرمائید چه مصیبتی بالاتر از این که بخواب خون یکنفر بیگناه را بنا باغراض سیاه پایمال کنند و قاتلین او را از کبیری استحقاق دارند نجات دهند یا گناه آنرا با شخص دیگری نسبت دهند که در دخالتی نداشته اند بعضی اشخاص از سوا مرحوم افشار افشار طوس صحبت میکنند (میر اشرافی- یکی از جانی های درجه اول بوده چند نفر زن آریستن را با لگدم کشته هر گاه آن مرحوم غرق در همه سیئات با این ترتیب ناجوانمردانه که او را بر قتل رسانده اند امروز در شمار شهدای ایران محسوب میشود) صحیح است (میر اشرافی- در شمار خائنین)

آقای دکتر بقائی بحث مفصلی را بشکنجه و آزار متهمین کرده اند و از صدق آهنی معمولی که با شمع سرخ میشود در میان آوردند تمام این حرفها و اتهامات از ناحیه ایشان ادعاست و بیجوت ترتیب و بطور مکرر از ناحیه مقامات رسمی و غیر متهمین هم تکذیب شده است حتی شاهد است شوهر مزینتی که بعد از یکی روز آزاد شده بود بمنزل اینجناب آمدند او پرسیدم که آیا شما را شکنجه کرده اند اظهار کرد بهیچوجه شکنجه نمی در نبوده است (دکتر بقائی- شما شاهدان قسم بخورید که شکنجه نمی نکرده اند تا آن درجه اطلاعی که من دارم بوجدان قسم میخورم که شکنجه داده نشده است اما اینکه مأمورین انتظامی و تحقیق بشما و همراهان شما اجازه ندادند که با متهمین ملاقات کنید دلیل آن معلوم است (دکتر بقائی- ما تقاضای ملاقات نکرده بودیم زیرا از روز اول متأسفانه شما در این قضیه آلوده و سهیم بوده اید (دکتر بقائی- ما تقاضای ملاقات نداشتیم باز پرس میخواست بوظیفه قانونی خودش حل کند) بهر حال عرض می کنم آقای دکتر بقائی ادعای شما راجع بشکنجه ثابت نیست ولی قتل افشار طوس ثابت و مسلم است بر فرض اینکه وارد آوردن شکنجه و آزار ثابت باشد البته جرم است ولی جرمی است برائت کوچکتر از قتل نفس که مرتکب شده اند کسی مدعی است برای راستی و آزادی قیام کرده آیا وجدانا خود را مجاز میدانید که برای يك جرم ثابت شده کوچکتر از جانی دفاع کرده يك جنایت عظیم آدم کشی را



مال نماید ؟ شما اگر راستگو هستید اول باید  
 ت نماینده که این اشخاص حامل ربودن و  
 کشتن مرحوم افشارطوس نبوده اند (دکتر  
 نی - بمن چه که ثابت کنم) و آنوقت بیان  
 ادعای شما که بمنهین بی گناه آزار و  
 شکنجه وارد کرده اند مؤثر و قابل توجه  
 خواهد بود (دکتر بقائی - بنا بر این شکنجه جرم  
 چکی است) نیکویم آقای دکتر بقائی کوچک  
 است قانون مجازات عمومی هم مجازات شکنجه  
 تعیین کرده و هم مجازات قتل نفس را  
 تعیین کرده (صاحب است) البته جرم شکنجه  
 در مقابل قتل نفس کوچک است اکنون این  
 آقای شما شبهه حرف جیب بری است که  
 جیب شخصی را زده باشد و شکایت  
 باید موفقی که دست در جیب آن شخص  
 زده است او را بیچاره و صدمه باو وارد  
 آورده است شما اگر برای آزادی قیام  
 کرده اید یک نکته مسلم و محقق در جلوی  
 سیاست و آن این است که جمعی توطئه برای  
 فلال نظم و امنیت اجتماعی چیده شبانه  
 پس کل شهر بانی را ربوده و بعد آنرا  
 فجیع ترین صورتی بقتل رسانیده اند ،  
 کدام آزادی و آزادیخواهی اجازه میدهد  
 که بخواهند این جنایت عظیم را کوچک  
 شان بدهند و مرتکبین آنرا با هوو جنجال  
 مجازات نجات بدهند ، همه نامه سرگشاده  
 ما را به آقای دکتر مصدق خوانده و مضمون  
 آنرا با خاطر دارند که در مورد توقیف حسین  
 عطیعی و کسانش که فرموده اند ...  
**میر اشرفی -** آقای رئیس وقت ایشان  
 نام شده  
**دکتر سنجابی -** دو دقیقه دیگر عرض  
 تمام میشود  
**نایب رئیس -** وقت شما تمام شده  
**میر اشرفی -** باید رای گرفته شود  
 که بنده بودم اجازه نمیفرمودید؛ بنده بقیه  
 هم اجازه نمیدادید  
**نایب رئیس -** همه آقایان یکی دو  
 سه دقیقه کم و زیاد وقت داده شده و دفعه  
 دیگر ملاحظه خواهید فرمود  
**دکتر سنجابی -** اگر بین شما و ایشان  
 یکی شرمنده و خجل و سرافکننده و شرمسار  
 باشد و باید عذرخواهی بکنند آن یک نفر  
 مثل نخواهد بود و همچنین مقاله دیگر شما  
 را عبدالعسین تو وجدان داری ، شما از  
 مادر و خواهر خطیبی که آلوده باین جنایت  
 هستید عیال میکشید ولی معلوم نیست  
 چرا از خواهر و مادر و همسر افشار طوس  
 عیال میکشید، شما درباره شکنجه و آزادی  
 که مدعی هستید به قاتلین و مجرمین وارد  
 آورده اند داد فصاحت میگهید ولی معلوم  
 نیست چرا در باره شکنجه و آزادی که به  
 افشار طوس وارد آورده اند هیچگونه رقت  
 طلب پیدا نمیکنید آیا با آن طرز فجیعی  
 که خوانده اید بهوش کردن ، طناب پیچ  
 کردن ...

**نایب رئیس -** زودتر تمام کنید  
**دکتر سنجابی -** و چاقو زدن و خفه  
 کردن و نیمه جان در گودال کردن شکنجه  
 و آزار نیست ، آخر توجه بفرمائید چه طور  
 شده آزار کردن و کشتن یک بیگناهی شما  
 را متاثر نمیکند ولی ادعای موهوم وارد  
 کردن شکنجه به قاتلین و مجرمین آنچه  
 حس راستی و آزادی طلبی شما را تحریک  
 کرده است ، شما باید بدانید تا باین نکته  
 ها جواب ندهید حرف شما و مغلطه شما و  
 فریاد شما در ملت ایران و بر هر شخصی که  
 دارای وجدان سالم باشد مؤثر نخواهد  
 بود .

**( ۳ - بیانات آقای قات آبادی طبق ماده ۹۰ آئین نامه )**

**نایب رئیس -** قسمت ۲ - مدت ۵ - وقت  
 مجلس صرف نطق قبل از دستور شده و  
 اکنون هم عده ای از آقایان بر طبق ماده ۹۰  
 اجازه خواسته اند  
**نمایندگان -** دستور - دستور  
**نایب رئیس -** بنده که ندیدم با آقایان  
 اهانتی شده باشد و این تعبیر لازمه اش این  
 است که ادامه پیدا کند از آقایان خواهش  
 میکنم که صرف نظر بفرمائید  
**شمس قات آبادی -** میشود  
 قربان

**اخگر -** بعد از دستور استفاده  
 بفرمائید

**نایب رئیس -** ممکن است جلسه  
 آینده موکول بفرمائید و از نطق قبل از دستور  
 استفاده کنید  
**شمس قات آبادی -** ماده ۹۰ را  
 برای همین منظور گذاشته اند وقتی که  
 گفته میشود مقتری باید جواب گفته شود  
 و قسمتی از عرایض بنده را هم تعریف  
 کرده اند اجازه بفرمائید ماده ۹۰ خوانده  
 شود .

**نایب رئیس -** ماده ۹۰ برای اطلاع  
 آقایان خوانده میشود تا به پیشیم تطبیق  
 میکند یا نه

(شرح زیر قرائت شد)  
 ماده ۹۰ - اگر در ضمن مذاکرات  
 صریحاً یا تلویحاً نسبت سوئی بیکی از  
 نمایندگان داده شود یا عقیده و اظهار او را  
 برخلاف واقع جلوه دهند و نماینده مذکور  
 برای رد آن نسبت یا رفع اشتباه اجازه  
 نطق بخواهد بدون رعایت نوبت بلا اجازه  
 داده میشود و نطق او نباید از مدتی که در  
 فقره ۴ بنهالف ماده قبل معین شده تجاوز  
 نماید .

**نایب رئیس -** نسبت سوئی بنده  
 نمی بینم .  
**شمس قات آبادی -** هم گفتند  
 مقتری هستی و هم عرایض بنده را تعریف  
 فرمودند و چه مطلب دیگر هم هست یادداشت  
 کرده ام .

**نایب رئیس -** پس مختصر بفرمائید  
**شمس قات آبادی -** بنده قبل از  
 اینکه جناب آقای دکتر سنجابی شروع به  
 بیانات بفرمایند و فرمایشاتشان را ایراد بفرمایند  
 حدس میزدم که یک سلسله مطالبی که بی  
 شباهت به مداحی شمرای باز گاهی سلاطین  
 قدیم است بیان خواهند فرمود این حدس  
 را من زدم اما هیچ این حدس را نیزدم  
 که در خلال فرمایشاتشان یک مطالبی را  
 بفرمایند که عرایض ما را تصدیق کنند من  
 البته راجع باین که ایشان فرمودند من  
 گفتم سر تپ ریاحی یعنی خواسته ام و آن بود  
 کنم که سر تپ ریاحی در قضیه قتل افشار  
 طوس دست داشته ، آنچه باید بگویم در  
 جلسه گذشته عرض کردم و اگر کمیسیون  
 دادگستری تشکیل شد و اجازه دادند آنچه  
 که باید بگویم آنجا خواهم گفت من راستاً  
 بکسی نگفتم که در این امر دخالت داشته اند  
 و اگر بنا شود صرف این که من اسم آورده  
 باشم عنوان مقتری بمن داده بشود پس  
 دستگاه دولت و این دستگاه عریض  
 و طولی که هنوز محکمه ثابت نکرده جرم  
 هیچکس را بالخصوص دکتر بقائی را بیش  
 از همه مقتری است و بیشتر از همه افترا  
 زتنده است و اما راجع باین مطلبی که  
 ایشان فرمودند که ما راه خودمان را طی  
 میکنیم ...

**نایب رئیس -** آقای قات آبادی  
 ماده ۹۰ فقط مربوط بجوابگویی بان  
 مطلبی است که راجع بجناب عالی گفته شده  
 است .

**شمس قات آبادی -** راجع بشخص  
 بنده است مطالبی که بنده عرض کردم  
 ایشان اشاره بعرایض بنده کردند و دو  
 دقیقه هم جناب عالی وقت بنده را گرفتید  
 (خنده نمایندگان) ایشان فرمودند که  
 علی رغم اندیشه مزدورانی که طرفدار ابطال  
 قرار داد ۱۹۳۳ بودند یعنی حزب توده و  
 اندسته ای که میگفتند بایستی فقط نفت  
 جنوب ملی بشود یعنی حزب توده ، این  
 یک مطلبی است که میخواهم آقایان توجه  
 بفرمایند چون فرمودند علیه غم آن مزدورانی  
 که میگفتند قرار داد ۱۹۳۳ باطل شود  
 و نفت جنوب ملی شود ، بعد اشاره بروزنامه  
 ملت ما ارگان مجمع مسلمانان مجاهد فرمودند  
 چون کافر همه را بکش خود پندار ایشان  
 میخواهند بگویند روزنامه جبهه و حزب  
 ایران و همان چند نفر معدود خیال میکنند  
 همه دستجات و همه حزبها روزنامه ارگان  
 شخص است و حال اینکه روزنامه ملت ما  
 از ارگان حزب ما است و افتخار حزب مللین  
 است که روزنامه ملت ما ارگان حزب ما  
 است و ارگان شخص من نیست و منم از  
 نظر شخصی دخالتی در کار روزنامه ندارم  
 چون فرمودند در روزنامه ملت ما شما  
 میگویند که مزدور فلان و فلان آقایان  
 محترم ملت ایران ما در روزنامه ارگان

مجمع مسلمانان مجاهد چندین مرتبه اسناد  
 ائتلاف حزب ایران را با حزب توده و  
 حزب دمکرات آذربایجان و فرقه دمکرات  
 آذربایجان را از روزنامه ارگان خود حزب  
 ایران نقل کردیم ، مطالبی که مادر روزنامه  
 از ارگان حزبمان نقل کردیم تمام مطالبی  
 بوده است که از روزنامه جبهه ارگان حزب  
 محترم ایران نقل کردیم ، چه راجع بائتلاف  
 آقایان با آنکسانی که خود این آقایان  
 آنها را علیه غم این مزدوران مزدوران  
 میخوانند و مزدورشان میدانند ما از آن  
 روزنامهها نقل کرده ایم اگر مطلب خارجی  
 ما نقل کردیم بنده حاضریم از جناب آقای  
 دکتر سنجابی از جناب آقای مهندس زیرک  
 زاده و از جناب آقای مهندس حسینی و  
 دیگر اعضای محترم حزب محترم ایران  
 معذرت بخواهم و هر توبیخی هم که بفرمائید  
 بنده قبول دارم و همین علیه غم مزدوران ،  
 همین مزدورانی که آقا فرمودند همین  
 مزدوران هستند که امروز دولت این دولتی  
 که ادعا میکند در مسیر نهضت ملی دارد  
 قدم برمیدارد اینها را آزاد کرده و اینها  
 هر عملی که دلشان میخواهد دارند میکنند  
 و فقط آن دسته ای خشود از آزادی این  
 مزدوران هستند که در قدیم هم باین مزدوران  
 هم عهد بوده اند

**نایب رئیس -** آقای قات آبادی  
 مختصر بفرمائید چون وقت ماده ۹۰ محدود  
 است از خودتان دفاع بفرمائید

**شمس قات آبادی -** یک نکته  
 دیگر مانده است راجع بخودم و دفاع از  
 خودم ، باز هم جناب آقای دکتر سنجابی  
 در خلال فرمایشات خودشان فرمودند آقایانی  
 که تقاضای ملاقات داشتند ، اگر اعضای  
 گرامی و محترم حزب ایران در جلسه  
 گذشته اینجا تشریف داشتند و توجه  
 می فرمودند لازم نبود که دو مرتبه این  
 موضوع را مطرح کرده و تکرار کنم  
 (مهندس حسینی - چون دیوار حاشا بلند  
 است) مانرفته بودیم که ملاقات کنیم صورت  
 جلسه این موضوع حاضر است صورت جلسه  
 هست فرمانداری نظامی هم هست باز پرس  
 هم هست ، رئیس شهر بانی هم هست همه چیز  
 هم که در اختیاران هست ممکن است  
 تحقیق بفرمائید بنده باز تکرار میکنم در  
 اثر تلفن جناب آقای دکتر بقائی در خدمت  
 ایشان رفتیم بداد گستری با باز پرس و نماینده  
 دادستان چون ایشان اعلام جرم کرده بودند  
 حرم کت کردیم رفتیم بسمت شهر بانی و ما  
 ابتدا تقاضای ملاقاتی نداشتیم بلکه این  
 دستگاه حکومت نظامی و شهر بانی بود که  
 اجازه نداد نمایندگان قانون بوظایف  
 خودشان عمل کنند ، یک نکته دیگر هم  
 عرض میکنم که آقای مهندس رضوی رخصت  
 نکشد زنک بزنند و آن اینست که موضوع  
 مبارزه با انگلیس ها و طرفد انگلیس ها و  
 ملی کردن صنعت نفت ، مبارزه با استعمار



سیاه همه يك چیزی بوده که ارتباط بهیچ شخص و احدی نداشته تمام افراد این مملکت صغیر و کبیر، عالم و جاهل، هر روزی مجتماً قیام کردند تا توانستند این اعمال را انجام دهند والا آقای دکتر مصدق السلطنه خیلی وقت بود که در این مملکت ذخیره بودند و نتوانستند این کارها را بکنند وقتی نهضت همگانی شد این موقعیت بدست آمد. اما چیزی که آقایان طرفداران دولت باید بفرامایند این است که بعد از ملی شدن صنعت نفت و بعد از طرد انگلستان و عمال او برای مملکت برای بدبخت ها، برای گرسنه ها، برای بیچاره ها چه کرده اند و الا اینجا بیابانده می شود و مدح و ثنا بخوانند این که اشکالی ندارد

بوقایع ۲۶ تا ۳۱ - نیر ماه ۱۳۳۱ - آقای احمد قوام زامورد تعقیب قانونی قرارداد و بر طبق اجازه قانونی مذکور مشارالیه مورد تعقیب واقع و پس از تحقیقات لازمه پرونده امر با صدور کیفرخواست از طرف داد - سرای دیوان عالی کشور تسلیم گردید و در جریان انجام رسیدگی است ولی چون بقرار معلوم نسبت بنامبرده اعلام جرمهای دیگری بمجلس شورای ملی تقدیم شده باین شرح،

الف - در تاریخ ۲۴-۹-۲۶ از طرف حزب آریا نسبت بمرتب ذیل بر علیه آقای احمد قوام اعلام جرم گردیده است

۱- ایجاد وقایع آذربایجان و تقویت حکومت پیشه وری و غلام یحیی و برسمیت شناختن از طرف دولت

۲- پندل و بختش بیت المال ملت بمناوین مختلف بیک عده ماجراجو که در استان آذربایجان بحکومت ترور و وحشت دست زده اند

۳- تیره نمودن روابط شوروی و اغفال مقامات شوروی

۴- مداخله صریح در امر انتخابات که بزرگترین حق ملت ایران است بنام يك حزب دولتی و با فرستادن بازرشهای شخصی تماماً از افراد حزب دمکرات ایران بر خلاف قانون و اعمال نظر شفاهی تا بتصور خود مدیر کتبی بدست نداده باشد

۵- رواج بازار رشاء و ارتشاء علناً و فروش جوازهای بی شمار و گرفتن پول به نفع حزب و قطع جنگلهای ای دولتی و استفاده از این اموال ملی و سرشار

۶- وضع قوانین مالیاتی با تصویب برخلاف قانون اساسی و تصویب مجلس شورای ملی

۸- حبس و تبعید آزاد بخوانان و رجال یا کدامن و مؤثر کشور بر خلاف قانون مجازات عمومی

ب - در تاریخ ۳۰-۲-۱۳۲۷ مرحوم احمد دهقان نماینده مجلس شورای ملی در دوره یازدهم بر علیه آقای احمد قوام به مجلس شورای ملی اعلام جرم نموده که نام برده بایشه وری که بر علیه حکومت مرکزی و ملی علم طغیان برافراشته بود قرار داد بسته و بر خلاف قانون اساسی و سایر قوانین با تجزیه ایران و نقض قانونی اساسی و سایر اعمال خلاف قانون او موافقت ننموده و نهضت فلاپی تجزیه طلبانه و خائنانه پیشه وری را برسمیت شناخته و از این راه فریبک خیانت بشکوه گردیده است

تقدیم نموده است و چون هنوز نسبت بموضوعات فوق الاشاره از طرف مجلس شورای ملی تکلیف قطعی نگردیده در نتیجه تصمیمات قانونی بوزارت دادگستری ابلاغ نشده است و موافق اصول قانونی در صورتی که کسی متهم بارتکاب جرایم متعدد باشد در مراجع قضائی بکلیه آن جرایم میبایست توأمآ رسیدگی بعمل آید

بنابراین متمنی است نتیجه تصمیمات قانونی را در مورد اعلام جرمهای فوق به وزارت دادگستری ابلاغ فرمائید تا در صورت تصویب بتعقیب آقای احمد قوام نسبت باتهامات مذکوره باقتضای تیرماه ۱۳۳۱ در دیوان عالی کشور يك جا رسیدگی بعمل آید

وزیر دادگستری - لطفی

سلطنت نبوده و حقوق هیئت دولت و وزیر است که در اداره امور وزارت خانه های مربوطه بنام اعلیحضرت هویونی سنی و کوشش در اجرای مقررات قانونیه نمودن منفرداً و مشترکاً از عهده مسئولیت در مقابل مجلس شورای ملی بر آیند

اخگر - یار سا - محمد حسین قشقایی حاج سید جوادی - دکتر سنجابی - شاپوری دکتر ملک - شبستری - دکتر معظمی زبیرک زاده - موسوی - میلانی - مهندس حسینی - خسرو قشقایی - اقبال - دکتر فلسفی - احمد رضوی - نجفی - انجمنی - سید باقر جلالی - مجد زاده - ذکائی - شهیدی - مدرس - خلغالی - دادور - کهن شهاب خسروانی - نریمان

**نایب رئیس آقای دکتر بقائی از ماده ۹۰ استفاده میفرمائید؟**

**دکتر بقائی** - جلسه آینه استفاده می کنم

**نایب رئیس** - آقای زهری حضرت عالی از ماده ۹۰ استفاده میفرمائید؟

**زهری** - بنده هم در جلسه آینده استفاده می کنم

**(۴) تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ**

**نایب رئیس** - وارد دستور میشویم آقای وزیر فرهنگ فرمایشی دارید؟

**وزیر فرهنگ** (دکتر آذر) - اجازه می خواهم لایحه ای را که مبنی بر تقاضای تجدید استخدام سه نفر از استادان اطریشی دانشکده پزشکی تبریز است تقدیم کنم

**(۵) معرفی آقای دکتر غلامحسین مصاحب بمعاونت وزارت فرهنگ بوسیله آقای وزیر فرهنگ**

**وزیر فرهنگ** - ضمناً آقای دکتر غلامحسین مصاحب را بسمت معاونت وزارت فرهنگ بمجلس شورای ملی معرفی کنیم (نمایندگان - مبارک است)

**(۶) تقدیم و قرائت تقاضای وزارت دادگستری دائر به تعیین تکلیف پرونده های اعلام جرم علیه آقای قوام**

**نایب رئیس** - آقای مصطفوی معاون وزارت دادگستری

**معاون وزارت دادگستری** - در باب اعلام جرمهایی که بر علیه آقای احمد قوام بعمل آمده جناب آقای وزیر دادگستری تقاضائی از مجلس کرده اند که تقدیم مقام ریاست میبکنم و تقاضا دارم که قرائت شود

**نایب رئیس** - بامه آقای وزیر دادگستری قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

مجلس شورای ملی - بموجب ماده واحده مصوب سیزدهم آبانماه ۱۳۳۱ بوزارت دادگستری اجازه داد شد که نسبت

**۲- پندل و بختش بیت المال ملت بمناوین مختلف بیک عده ماجراجو که در استان آذربایجان بحکومت ترور و وحشت دست زده اند**

۳- تیره نمودن روابط شوروی و اغفال مقامات شوروی

۴- مداخله صریح در امر انتخابات که بزرگترین حق ملت ایران است بنام يك حزب دولتی و با فرستادن بازرشهای شخصی تماماً از افراد حزب دمکرات ایران بر خلاف قانون و اعمال نظر شفاهی تا بتصور خود مدیر کتبی بدست نداده باشد

۵- رواج بازار رشاء و ارتشاء علناً و فروش جوازهای بی شمار و گرفتن پول به نفع حزب و قطع جنگلهای ای دولتی و استفاده از این اموال ملی و سرشار

۶- وضع قوانین مالیاتی با تصویب برخلاف قانون اساسی و تصویب مجلس شورای ملی

۸- حبس و تبعید آزاد بخوانان و رجال یا کدامن و مؤثر کشور بر خلاف قانون مجازات عمومی

ب - در تاریخ ۳۰-۲-۱۳۲۷ مرحوم احمد دهقان نماینده مجلس شورای ملی در دوره یازدهم بر علیه آقای احمد قوام به مجلس شورای ملی اعلام جرم نموده که نام برده بایشه وری که بر علیه حکومت مرکزی و ملی علم طغیان برافراشته بود قرار داد بسته و بر خلاف قانون اساسی و سایر قوانین با تجزیه ایران و نقض قانونی اساسی و سایر اعمال خلاف قانون او موافقت ننموده و نهضت فلاپی تجزیه طلبانه و خائنانه پیشه وری را برسمیت شناخته و از این راه فریبک خیانت بشکوه گردیده است

در تاریخ ۲۷-۲-۱۳۲۷ بوزارت دادگستری ضمن نامه شماره ۲۴۴۲ گزارش ۱۱۷-۴-۲۲-۱-۲۷ دادسرای دیوان کیفر دادایر به اعلام جرم علیه احمد قوام در باب سوء استفاده و اخذ جوره در مورد صدور جواز هائی بنام اشخاص بضمیمه پرونده شماره ۴۱۲۶-۴۰۹۷ بمجلس شورای ملی

**نایب رئیس** - خبلی اسباب تعجب است که دولت راجع بمطالبی که اعلام نظر نشده تقاضای تعیین تکلیف از مجلس میکند و حال آنکه قانونی را که صریحاً تصویب و ابلاغ شده است در اجرای آن سهل انگاری می نمایند بهر حال بکمیسسیون عرایض فرستاده میشود

**دکتر بقائی** - دستور بفرمائید پرونده قتل امیر کبیر و پرونده ابراهیم خان - کلانتر و گشته شدن حسنک وزیر را هم باین نامه اضافه کنند که يك دفعه بفرستند شرم نمیکند که باین ترتیب میخواهند قوام را نجسات بدهند

**هکی** - اجازه بفرمائید چون بنده در کمیسسیون عرایض هستم توجهی بدهم چون ماین کار را کرده ایم

**نایب رئیس** - این موضوع مورد بحث نیست

**۷- مذاکره و اعلام رأی در فوریت اول طرح سه فوری مربوط بگزارش هیئت هشت نفری**

**نایب رئیس** - طرح مربوط بعهده ای از آقایان نمایندگان قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

مجلس شورای ملی

بسرای اینکه گزارش هیئت هشت نفری بر طبق آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی مطرح و بصورت تصمیم قانونی در آید امضاء کنندگان ذیل عین پیشنهاد آن هیئت را بصورت ماده واحده باقیه سه فوریت تقدیم و تقاضای تصویب آن را داریم

ماده واحده - نظر باینکه موافق اصل ۳۵ متمم قانون اساسی سلطنت و دیهه ایست که بصوبت الهی از طرف ملت به شخص شاه تفویض شده و طبق اصل ۴۴ متمم شخص پادشاه از هر گونه مسئولیت مبری است و از طرفی طبق همین اصل و اصل ۴۵ متمم مسئولیت ادارات امور مملکتی بعهده وزراء و هیئت دولت میباشد بدینیهی است که اداره و مسئولیت امور مملکتی اعم از کشوری و لشکری از شئون مقام شامخ

**نایب رئیس** - فوریت اول مطرح است. آقای حائری زاده

**حائری زاده** - قانون اساسی و متمم قانون اساسی ۸۴ سال پیش تقریباً با ۶۰ اصل ایجاد شده است خبلی از اصول آن مطابق با اصول و زمان ما نیست. مادرش تردیدی هیچ نداریم چند اصلی که مربوط بانتخابات بوده است در همان دوره بین اول و دوم طبق فرآیندی که آنروز معمول بوده است که انجمن های ایالتی و ولایتی نظر میدادند و اختیاراتی بانجمن ایالتی آذربایجان دادند که آن اصولی که مربوط به قانون انتخابات میشده است در آن موقع اجازه متروک ماندنش را دادند و اختیار دادند به مجلس

دوم که هر چه مصلحت میداند عمل کند مجلس دوم يك قانون انتخاباتی را نوشته بود که با آن اصول قانون اساسی تناقض دارد ولی تصریحی که چه اصلهائی لغوشده و چه اصلهائی لغو نشده بود در آن قید نشد در آنروز من نظرم هست که يك گزارشی به مجلس تقدیم کرده اند که اوله اش مشروحاً ذکر شده و دیگر لازم نیست اینجا عرض کنم یکی دیگر آنروزی که ناصر الملک نایب السلطنه بوده است و این شکلی که ما قانون اساسی را می فهمیم او هم میفهمید و معتقد بوده است که مقام سلطنت که او نیایش را عهده دار است دارای هیچ اختیاری نیست

همینطور که ما هم تشخیص میدهم که مقام مقدسی است و هیچ اختیاری ندارد و لحاظ احترامات این مقام را باید احترام گذارند ولی اختیاری برای او نیست و هیچ مسئولیت ندارد او هم همین جور تشخیص میداد ولی متأسف بوده است و میگفتند که مصلحت ایران نیست که مقام سلطنت بی اختیار باشد و عقیده اش این بود بجلسانی هم تشکیل دادند بالاخره کار بانجا رسیده است که در ضمن فرمان انتخابات دوره سوم اجازه بدی

بمجلس سوم که تجدید نظری در قانون اساسی بکنند و کلای دوره سوم که وکیل عدلی بودند و يك و کبلی که حق تجدید نظر در قانون اساسی که مؤسسان بودند در مجلس سوم خوشخانه ناصر الملک را

پن رفته بود و کسی که اسرار را

پن رفته بود و کسی که اسرار را



کنه وجود نداشته ، احمد شاه هم مردی بوده است که بهمان مقام خودش قانع بوده است و توقع اختیاراتی نداشته و مجلس هم نظری ابراز نکرده و مقارن شده است با جنگ بین المللی اول و منحل شده است و مهاجرت کردند و بجای نرسیده است یکی دو دوره بعد هم در زمان شاه سابق و این شاه یک مجلسهای مؤسسان قلابی درست کردند که من عقیده به تصمیحات آنها ندارم برای اینکه برای تشکیل مجلس مؤسسان و فرارندم باید کسی که قدرت سر نیزه اختیارات تحت نظر او است او بگذارد برود کنار یک شخص عادی بشود مردم خودشان بوسیله انجمن های ملی ، مؤسسات عمومی طرحی تهیه بکنند اقدام بکنند چند اصل قانون اساسی را که تغییر داده اند بعقیده من یک قسمتش را که مادر اینجاشاهد و ناظر بوده ام در دوره پانزدهم بود گویا همین جاداد و فریادها میکردیم که این مجلس قلابی است و بهینطور که حالا طومار و تلگرافات از چه ها برای گذراندن این گزارش هیئت مشق تقری میرسد آنروز هم این طومار ها و تلگرافات میرسد فراوان ، بجای این که این را باز در اطرافش بحث بکنیم که بگوئیم چهار اصل قانون اساسی را درش بحث کنیم باید فهمید که چه جور بحث کنیم . اگر بگوئیم این چهار اصل این است که هست علاوه بر این چهار اصل پنجاه اصل دیگر هم هست که هست ، اگر ما میخواهیم تغییری در آن بدیم اختیارات ما غیر از آنچه ما در آن جلسه خصوصی گزارش داده ایم که حالا آقایان این را پیراهن عثمان کرده اند و آورده اند این چیز دیگری است اگر تغییری نسیری بعملی در این اصول باید انجام بدیم من صلاحیت برای مجلس نیم بنده اینجوری فائل نیستم ، در آنجلساتیکه برای راه حل تشکیل میشد یک چیزی بنظرم رسید حالا هم مرض مجلس شورای ملی میرسانم در اینکه قانون اساسی خیلی از اصولش متناسب با عصر حاضر ما نیست من تردیدی ندارم و لازم است در آن تجدید نظری بشود ولی مرجع صالحی باید باشد چرا این قانون اساسی را در بغل گرفتیم با تمام عیب و نقیصه که دارد برای اینکه میترسیم با گریک ساده مرض را ماموافت کردیم برای اصلاح آن قدرتهائی هستند مافوق ما که این مواد اصول عمده اش را بنام اصلاح افساد میکنند ما میگوئیم این با تمام عیبهایش بهتر از این است که این دفترچه را امروز از دست ایرانی ها بگیرند در اینجا خیلی چیزها دارد مثلا امتیازات را بدون تصویب مجلس بخارجی ها نمیشود داد در حالیکه الان ۵۰ درصد قیمت نفت را بدون تصویب مجلس میبخشند اینها چه صورتی دارد بدون تصویب مجلس؟ اینها یک مباحثی است که بعدها همین جوری که حالا برای قوام آوردن یک روزی هم برای مصدق اگر زنده ماندیم خواهیم آورد ( مهندس

حسینی - تخفیف قیمت امتیاز است ؟ قربان ( حق حقوقی شما ) خیانت بملکت است ( مهندس حسینی - در هر حال امتیاز نیست ) خیلی چیزها در قانون اساسی هست که کجیف است آنها را ما بگذاریم متزلزل بشود و خیلی چیزها هم هست که لازم است اصلاح بشود ، فکر میکنم بنظر من رسید مبنایش تقریباً دنبال فکریست که مرحوم ناصر الملک داشته نه بصورتیکه او در نظر داشته او میگفت که موقع فرمان انتصابات ما از ملت تقاضا میکنیم که بنمایند گمان دوره سوم اجازه بدهند در قانون اساسی نظر بدهند من عقیده دارم که همین مجلس یک ماده بگذرانند و یک کمیسیونی برای مطالعه قانون اساسی انتخاب کنند ( شاپوری - اینکه مجلس نیم بنده است آقا ) این کمیسیونی که ای قانون اساسی انتخاب میکند از قضات دیوان کشور باشد از دانشگاه باشند و از مجلس هم باشند و یک قانون اساسی متناسب با وضع امروزی و محیط امروزی ما تهیه کنند ( صحیح است ) این طرح قانون اساسی را مجلس هفده افتخار تهیه اش را عهده دار باشد و در موقع اعلان انتخابات دوره هجده ملت بنمایند گانش اجازه بدهد که این مسئله این طرحی را که در مجلس هفده تهیه شده است قبول کنند یا همانهایی که قدیم بوده بقوت خودش باقی باشد و حق هم بهشان ندهند که موادی از آنرا کم و زیادش بکنند من می ترسم که آنرا از دستمان بگیرند و بدها را هم بدترش بکنند ، این موضوع را من عرض کنم که برای اصلاح اصول قانون اساسی و رفع اجمال و ابهام و تناقض و این جور چیزها بنده در این قانون هست باین ترتیب نمیشود ، من با این فکر موافقم که یک اصلاح اصولی بشود اما اگر آقایان با این نظر موافقت بکنند این نظری است که بگاوو گوشه فکری کسی ضرر نمیزند و برای مملکت هم خیلی مفید است ، اما این را چون خودم امضاء کرده ام و طرفدارش هستم باید عرض کنم که یک تشنجی در مملکت بوده و هست یک کمیسیونی را جناب آقای مکی در جلسه خصوصی خواهش کردند که تشکیل بشود بنشینند و ببینند چه جور ممکن است این تشنجهارا تخفیف بدیم که موجبات بجزریان افتادن کارها فراهم بشود بدبختانه جزء آن هشت نفریکه برای اینکار معلوم شدند بنده راهم انتخاب کردند ( خسرو قشقائی - خوشبختانه ) ما وارد این موضوع شدیم که این اختلافات سر چیست یک قسمتش مال اوضاع داخلی مجلس بود این را با حسن نیتی که جناب رئیس مجلس داشتند بعرض ایشان رساندیم و ایشان هم دستوراتی صادر کردن موضوع حل شد و اشکال مرتفع شد ، یک موضوع این اختیارات جناب کتر مصدق بود که اختیارات قانون گذاری خلاف قانون اساسی است این قسمت تشخیص داده

شود که شخصی هم رئیس قوه مجریه باشد و هم حق قانون گذاری داشته باشند این ابداع صلاح نیست ( مهندس حسینی - همچو موضوعی بآن کمیسیون مراجعه نشد ) کمیسیون برای اختلافات بود کمیسیون غیر رسمی در یک جلسه خصوصی برای پیدا کردن راه حلی در رفع اختلافات بود یکی از مسائل مختلف فیه ما این بود ، اختلاف نبود میگفتیم که د کتر مصدق اختیار داشته باشد ( مهندس حسینی - بنظر شما بله ) همچو چیزی نبود بآنک تجربه و بانی لاتجرب نیست

**فایب رئیس** - آقای حائری زاده راجع بفوریت شاه ۱ دقیقه وقت داشته آید ۱ دقیقه اش گذشت .

**حائری زاده** - خیلی خوب آنچه را که رسیدم عرض میکنم بقیه را در فوریت دوم عرض خواهم کرد این موضوع باد کتر مصدق صحبت شد خودش هم موافق بود ، حتی آن جلسه من نرفتم بهلوی ایشان رفقا که رفته بودند گفتند قانون اختیارات را آورده است و گفته در فلان قسمتهائی هیچ مانعی ندارد و من سلب اختیار از خودم می کنم و در یک قسمتهائی که مربوط به پیشرفت کار من است اینها را تعقیب نکنید که دولت تصویف میشود و وعده دادند ایشان که خودشان اینکار را بکنند ، مجلس سلب اختیار از ایشان نکند که تصویف شوند بلکه خودشان آن اختیاراتی را که در مجلس آمدند و رختخواب انداختند و شب خوابیدند و گفتند که مجلس اختیار بدهد چون من و شاه آمان توی یک جوی نمیرود شاه برای خودش اختیاراتی قائل است ، ما مورین عالی رتبه گوش بحرف من نمیدهند و گوش بحرف شاه میدهند و این مسئله باعث فلج شدن کارها میشود ما که باشاه صحبت کردیم او معتقد بود که اختیاراتی در قانون اساسی برای او هست ولی میگفت من هیچوقت از این اختیارات وقتی که دولت مصدق بوده استفاده نکرده ام هر کسی را که او مامور کرد بدون اینکه مشورتی بامن کرده باشند من اعتماد داشته ام و گفته ام چون یک کار اساسی را دارد انجام می دهد موافقت کرده ام اختلافی نداختم فرمودند من یک قسمتی خورده ام شما هم یک قسمتی خورده اید ما دیدیم که عملاً اختلافی نیست ، اختلاف سر ملاقطعی شدن است و این اصل مسلم حقوقی هم در دنیا هست که در دنیا امروزی قبول شده ، اختیارات لازم اش مسئولیت است اگر کسی را گفتند مسئول نیست نمیتواند اختیار بدهد ( صحیح است ) یک صغیری مال هم خیلی دارد ولی بجهائی با اجازه نمیدهند در مال خودش

دخالت کند ولی قیم اودخالت میکنند آن صغیر مسئول نیست اختیار هم ندارد ولی هم مسئول است و هم اختیار دارد . دولت هم مسئول است دولت در مقابل مجلس مال مجلس بدانند نه اینکه بیرون زیر پتو هیچ کاری بمجلس نداشته باشند ، این که میرود زیر پتو مخفی می شود ، نمی آید بمجلس این دو سیه اش علیحده است دولتها بیکه خودشان را مسئول مجلس می دانند و تحت امر مجلس باشند باید بآنها اختیار داد اما نه اختیار قانون گذاری ( مهندس حسینی - اختیار قانون گذاری داده نشده ) این بود که گفتیم یک عبارتی که طرفین راضی باشند و این کله گزارها خاتمه پیدا کند ، علی بهانه گیر نداشته باشیم در کار یک اصل مسلم حقوقی را بر می داریم می نویسیم گمان میکنم در منزل محمود آقای مجد زاده و د کتر سنجابی و سایر رفقا هم تشریف داشتند ( د کتر معظمی - بفرمائید که یک قسمت راهم خود جناب عالی دیکته فرمودید ) یک قسمت راهم بنده دیکته کردم و نوشتند در این حرفی نیست چون یک اصل مسلم حقوقی قانون اساسی است در این هیچ اختلافی نیست سر این حرفی نیست ( صحیح است ) این را پیراهن عثمان کردند و در تمام شهر ستانها بوق و کرنا راه انداخته اند که بیائید رای بدهید ، خوب قانون اساسی هم همین است ، اگر آقایان دلشان برای قانون اساسی سوخته است آنجائی که قانون اساسی لغو شده است و اختیار قانون گذاری را از دست مجلس گرفته بمصدق السلطنه داده اید این را ضمیمه کنید ما دو طرح تهیه کرده ایم حالا ایشان گفتند وقت تمام شده این را شروع بکنم یک قدری طول می کشد .

**فایب رئیس** - در موقع طرح اصل ماده صحبت بفرمائید .

**حائری زاده** - بسیار خوب من در موضوع فوریت بیشتر از این حرفی نمی زنم مجلس این را بدمی داند و یک چیز چرندی است .

**دکتر سنجابی** - امضای خودتان بظهور آنهام چندان است

**حائری زاده** - برای علی بهانه گیر نداختم یک چیزی نوشتم که قار و قور تمام بشود .

**فایب رئیس** - آقای نریمان بفرمائید

**نریمان** - عرض کنم مناسبانه یکی دو مرتبه بنده اینجاصحتی میشنوم که بگویند مجلس نیم بند میخواستم عرض کنم که در اصول قانون اساسی یک حد نصابی معین شده است وقتی که عده نمایندگان بان حد نصاب رسید ( حاج سعید جوادی - آه وقت



بند میشود) بایستی تشکیل مجلس بشود و نمایندگان گانش تشکیل جلسه بدهند و تصمیماتی که میگیرند متبع و صحیح است (صحیح است) این راجع به مجلس نیم بند و اما راجع به موضوعی که مطرح است عرض کنم که بنده در دوره شانزدهم و در این دوره راجع به قانون اساسی و انحرافات که در قانون اساسی شده بطور تفصیل نظریات خودم را برای آقایان عرض کردم و محتاج نیست که آنها را تکرار کنم بنده فعلا عضویت هیچ دسته و هیچ فراکسیونی را ندارم و مخصوصاً از فراکسیون محترم نهضت ملی کناره گیری کردم برای اینکه آزاد باشم از قبود فراکسیونی برای اینکه با هر

پیشنهادی که بنفع ملت ایران باشد کمک کنم در این مجلس و از آن دفاع کنم یکی از آن پیشنهادها همین پیشنهادی است که الان مطرح است اصول قانون اساسی روشن است در آن حرفی نیست ولی متأسفانه در دوره دیکتاتوری و دوره بیست ساله از بعضی از این اصول انحرافات شده و روش هائی ایجاد شده که با قانون اساسی وفق نمیدهد (صحیح است) ادامه این روشها متأسفانه بضرر ملت ایران تمام شده یکی از مهمترین نتیجه انحرافات همان قرارداد سال ۱۹۳۳ است که عاقد و امضاء کنندۀ قرارداد که وزیر دارائی وقت بود خودش را آرت فعل میدانست این بهترین مثال

برای این است متأسفانه بعد از دوره ۲۰ ساله این انحرافات و روشها ادامه پیدا کرده و امروز نمیشود اجازه داد که این روشها بیش از این ادامه پیدا بکند بنا بر این تصویب این طرح نهایت فوریت را دارد و من از آقایان محترم تقاضا میکنم و استدعا می کنم که با تصویب فوریت این طرح موافقت فرمائید .

**محمد ذوالفقاری** - قدرت دست کی خواهد بود آقایان؟

**نایب رئیس** - اعلام رای می کنم نسبت به فوریت اول (در اینموقع عده برای رای کافی نبود)

**مکی** - اجازه فرمائید بنده

عرضی داشتم

**نایب رئیس** - اعلام رای شده است

نسبت به فوریت اول طرح تقدیمی و بنا بر تقاضای ۶ نفر از آقایان رای باورقه باید گرفته شود (پس از چند دقیقه انتظار عده برای رای کافی نشد)

**(۸ ختم جلسه بعنوان تنفس)**

**نایب رئیس** - چون چند نفر از

آقایان از آمدن خود داری میکنند چند دقیقه تنفس داده می شود

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر بعنوان

تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)

**نایب رئیس** مجلس شورای ملی

**احمد رضوی**